

آیینها ایثار

فصلنامه خبری / آموزشی / اطلاع رسانی

کانون علمی فرهنگی ستاد شاهد و ایثارگر

دانشگاه شهید بهبهانی - شماره ۲۰ / زمستان ۱۳۸۸



بسم الله

آینه‌ایثار

فصلنامه خبری / آموزشی / اطلاع رسانی

کانون علمی فرهنگی ستاد شاهد و ایثارگر

صاحب امتیاز: ستاد شاهد و ایثارگر دانشگاه شهید بهشتی

مدیر مسئول: داود طالبی

سردبیر: مریم احقاقی

طراح: صفحه آرا و حروفچین: مریم اصغری

همکاران این شماره: اعظم السادات شیرازیها(دبیر)

کلام نور / ۱

مناجات/ ۲

سخن سردبیر / ۴

اخبار / ۶

تابلوی اعلانات / ۱۱

معرفی کتاب / ۱۴

در محضر استاد / ۱۵

یادمان / ۱۸

از ایران تا ایران / ۲۰

زندگی نامه امام حسن عسگری / ۲۳

ملی شدن صنعت نفت / ۲۶

شهید نواب صفوی / ۲۹

اعجاز قرآن / ۳۴

ستاره / ۳۶

روز مهندسی / ۳۸

شبیهِ باران / ۴۰

ورزش راز سلامتی / ۴۲

در گذر زمان / ۴۵



پست الکترونیک: shahed83@sbu.ac.ir

وب سایت: <http://shahed.sbu.ac.ir>

تلفن: ۲۲۴۳۱۸۸۳ _ ۲۲۴۳۱۸۸۴

کلام نور

«امام خمینی(ره)»

منطق ما، منطق ملت ما، منطق مومنین، منطق قرآن است (انا لله و انا اليه راجعون) با این منطق هیچ قدرتی نمی تواند مقابله کند جمعیتی که، ملتی که خود را از خدا می دانند و همه چیز خود را از خدا می دانند و رفتن از اینجا را به سوی محبوب خود، مطلوب خود می دانند، با این ملت نمی توانند مقابله کنند با آنانکه شهادت را در آغوش همچون عزیزی می پذیرند آن کوردلان نمی توانند مقابله کنند.

«مقام معظم رهبری»

ایران بزرگ برای ادامه حرکت پیشرونده خود به زنده ماندن نام و یاد شهیدان، تجلیل از جانبازان و تکریم خانواده های معظم و پرافتخار آنان نیاز حقیقی دارد و هر کسی این حقیقت را نادیده می گیرد به دشمنان ایران خدمت می کند.



مناجات

مناجات شعبانیہ

إِلٰهِي فَلَكَ الْمَمْدُ أَبَدًا أَبَدًا دَائِمًا سَرْمَدًا يَزِيدُ وَ لَا يَبِيدُ كَمَا تُمَبُّ وَ تَرْضَى
فدایا! ستایش ابدی و ثنای سرمدی تنها از آن دوست، سپاسی همواره فزاینده و بی‌کم و کاست، آنگونه که تو
دوست داری و می‌پسندی.

إِلٰهِي إِنْ أَفْذَنْتَنِي بِجُرْمِي أَفْذُتْكَ بِعَفْوِكَ
فدایا! اگر مرا به جرمم بگیری، دست به دامن عفو تو می‌زنم.
وَ إِنْ أَفْذَنْتَنِي بِذُنُوبِي أَفْذُتْكَ بِمَغْفِرَتِكَ
و اگر مرا به گناهانم مؤافده کنی، تو را به بخشایشت بازخواست می‌کنم.
وَ إِنْ أَذْفَلْتَنِي النَّارَ أَعْلَمْتُ أَهْلَهَا أَنِّي أُمَّبِكَ
اگر در دوزخم افکنی، به دوزخیان اعلام فواهم کرد که تو را دوست دارم.

إِلٰهِي إِنْ كَانَ صَغُرَ فِي جَنْبِ طَاعَتِكَ عَمَلِي فَقَدْ كَبُرَ فِي جَنْبِ رَجَائِكَ أَمَلِي
فدایا! اگر در کنار طاعتت، عملم کوچک است، امید و آرزویم بزرگ و بسیار
است.



إِلَهِي كَيْفَ أَنْقَلِبُ مِنْ عِنْدِكَ بِالْفَيْبَةِ مَمْرُومًا وَ قَدْ كَانَ مُسْنُنٌ ظَنِّي بِجُودِكَ أَنْ تَقْلِبِنِي بِالنَّجَاةِ مَرْمُومًا

فدایا! از آستان تو چگونه تهیدست و ممروم برگردم، با آنکه گمان نیک من نسبت به جود تو، آن است که نجات یافته و رحمت شده مرا باز گردانی.

إِلَهِي وَ قَدْ أَفْنَيْتُ عُمْرِي فِي شَرِّهِ السَّهْوِ عَنكَ وَ أَبْلَيْتُ شَبَابِي فِي سَكْرَةِ التَّبَاعُدِ مِنْكَ إِلَهِي فَلَمْ أَسْتَيْقِظْ أَيَّامَ اغْتِرَارِي بِكَ وَ رُكُونِي إِلَى سَبِيلِ سَفْطِكَ

فدایا! عمرم را در رنج غفلت از تو تباه ساختم، جوانی ام را در سرمستی دوری از تو هدر دادم، فداوندا! آن روزها که به کرم تو مغرور شده و راه فشم تو را سپردم، از فواب غفلت بیدار نگشتم.

إِلَهِي وَ أَنَا عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ قَائِمٌ بَيْنَ يَدَيْكَ مُتَوَسِّلٌ بِكَرَمِكَ إِلَيْكَ

پروردگارا! من بنده توام و زاده بنده تو. در آستان بزرگیت ایستاده ام و کرمت را وسیله تقرب به حضور تو قرار داده ام.

إِلَهِي أَنَا عَبْدٌ أَتَنَصَّلُ إِلَيْكَ مِمَّا كُنْتُ أُوَاجِهُكَ بِهِ مِنْ قَلَّةِ اسْتِمْيَائِي مِنْ نَظْرِكَ وَ أَطْلُبُ الْعَفْوَ مِنْكَ إِذِ الْعَفْوُ نَعْتٌ لِكْرَمِكَ

فدایا! بنده ای زشتکارم که به عذرفوهای آمده ام، از نگاه تو

شرم نداشته ام، اینک از تو بفرشش می طلبم، چرا که عفو،

صفت بزرگواری توست.



۲۶ دی سالروز فرار خائانه شاه از ایران

سخن سردبیر

پس از ۲۶ دی درست ۲۶ روز تاریخی بر ملت ایران گذشت تا در ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ انقلاب شکوهمند اسلامی که ثمره خون پاک شهدای انقلاب بود به پیروزی رسد.

۲۶ دی روز تاریخی برای ملت ایران بود، ملت ایران توانست طاغوت پر نخوت زمانه را که ۳۷ سال غاصبانه و به زور بر مال و منابع آنها حکومت سراسر ظلم کرده بود مجبور به فرار کنند، شادی و شمع پس از شنیدن این خبر در سراسر ایران دیدنی بود، ملت ایران شاه ظالمی را که تا آن روز دست پلیدش به خون ملت پاک ایران آلوده شده بود را فراری داد و خاطره آن روز هرگز از ذهن ملت در پی سی ساله اخیر فراموش نشده است.

از آنجا که امام همواره بازگشت به ایران را منوط به خروج شاه از

۲۶ دی ۱۳۵۷ سالروز فرار خائانه شاه و نقطه عطفی در گسترش نهضت اسلامی و پیروزی انقلاب بشمار می‌رود، محمدرضا پهلوی اگر چه در آخرین مصاحبه خود، خاک ایران را به قصد استراحت و تجدید قوا ترک کرد، اما ملت ایران هرگز اجازه برآورده شدن رویای بازگشت وی به ایران را نداد.

کشور اعلام کرده بود، فرار شاه برای ملت ایران یک گام روبه جلو بشمار می رفت و پس از خروج شاه در روزهای آخر دی ۱۳۵۷، او و همه ایادیش را شکست و خبر بازگشت قریب الوقوع امام خمینی نیز در رسانه‌های خبری انتشار یافت و دیری نپائید که امام آمد، ۱۲ بهمن تنها ۱۶ روز پس از فرار شاه، امام با پرواز انقلاب آمد... با ورود امام امت به خاک ایران اسلامی، رژیم در وضعیت نامطلوبی

پیش گرفته بود و یکصدا فریاد استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی را سر داد، دیگر یاران امام در سال ۴۲ به فرزندان برومندی بدل شده بودند که با اعتقاد قلبی به رهبر و راه خود، گام های بلندی برای آینده ایران بردارند. همان فرزندان برومندی که دو سال پس از پیروزی انقلاب با خون پاک خود، نهال نوپای انقلاب را در دفاعی ۸ ساله و نابرابر آبیاری کردند.



قرار گرفته بود. در یک سو بختیار به عنوان نخست‌وزیر شاه، حتی از سوی جبهه ملی نیز رانده شده بود و امید چندانی نیز به حمایت ارتش نداشت و در سوی دیگر خیل عظیم مردم، آتش انقلاب را شعله‌ور تر می کردند و هر شهید در هر کوی و برزنی سندی بود بر تداوم راه و ایستادگی در مسیر.

ملت ایران فریاد نه غربی نه شرقی سر داد و با تمسک به اراده الهی و سرمایه های معنوی خود و رهبریهای امام خمینی (ره) تا امروز راه خود را علی رقم تمامی تهدیدات پرتوان ادامه داده است و ادامه خواهد داد. " انشاء ا..."

سردبیر

با پیوستن گروههای متعدد به موج انقلاب، بخش های وسیعی از بدنه ارتش نیز در صف اول ایستادگی قرار گرفتند.

ملت ایران تصمیم تاریخی خود را برای رسیدن به استقلال از سالها

اخبار

پورتال دانشگاه شهید بهشتی رتبه پنجم را در بین پورتال دانشگاه‌های کشور کسب کرد

این رتبه بندی بر اساس وبومتري (وب سنجی) که شاخص شناخته شده جهانی است در فوریه ۲۰۱۰ اعلام شد. پورتال دانشگاه شهید بهشتی در سال ۲۰۰۹ رتبه ۲۳ را کسب کرده بود. براساس وبومتريک، دانشگاه‌های جهان با شاخص‌هایی چون، ارزیابی آموزش‌های برتر در وب، حجم، قابلیت دید و اثر (impact) صفحات وب منتشر شده توسط دانشگاه‌ها و منابع اطلاعات و تفسیر آنها رتبه بندی می شوند.

چشم‌چشمین سالگرد تاسیس بخش ایران IEEE

همایش یک روزه ای به مناسبت چشم‌چشمین سالگرد تاسیس بخش ایران IEEE در تاریخ ۲ اسفند سال ۱۳۸۸ در سالن همایش‌های بین‌المللی دانشگاه شهید بهشتی برگزار شد. برنامه‌های این همایش شامل سخنرانی رئیس منطقه ۸ IEEE، سخنرانی‌های تخصصی، پرسش و پاسخ پیرامون IEEE و قدردانی و توزیع جوایز بود.

افتتاح دو پروژه عمرانی دانشگاه در دهه مبارک فجر



روز سه شنبه ۲۰ بهمن ماه همزمان با هشتمین روز از ایام مبارک دهه فجر، پروژه های عمرانی مجموعه خانه فرهنگ دانشگاه و رختکن زمین فوتبال توسط ریاست دانشگاه جناب آقای دکتر شعبانی و با حضور مشاور عالی ریاست دانشگاه جناب آقای دکتر داودی و اعضای هیات ریسه افتتاح گردیدند.

مجموعه خانه فرهنگ دانشگاه دارای زیر بنای ۴۰۰ مترمربع بوده و در سه طبقه احداث شده است. همچنین رختکن زمین فوتبال در دو قسمت و با امکانات لازم به بهره برداری رسیده است.

تقدیر از پژوهشگران دانشگاه شهید بهشتی در همایش سالیانه طرح های صنایع نوین

در همایش سالیانه طرح های صنایع نوین که در تاریخ سوم بهمن ۱۳۸۸ با حضور معاون وزیر صنایع و رئیس سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران برگزار گردید آقایان دکتر بابک شکری، دکتر مسعود حسینی، دکتر رضا مسعودی و دکتر حسن توسلی بابت خدمات ارائه شده و همکاری پژوهشی در زمینه صنایع پیشرو و تکنولوژی های نوین مورد تقدیر قرار گرفته و لوح تقدیر به ایشان اعطاء گردید. از معاونت پژوهشی دانشگاه نیز به خاطر همکاری شفاف و رو به توسعه در این مراسم قدردانی شد.

کسب رتبه سوم در پژوهش های بنیادی از جشنواره خوارزمی توسط آقای دکتر شعبانی ریاست محترم دانشگاه

بیست و سومین جشنواره بین المللی خوارزمی روز یکشنبه هجدهم بهمن با حضور معاون اول و معاون علمی و فن آوری رییس جمهور و وزرای علوم و دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح در سالن اجلاس سران کشورهای اسلامی برگزار شد.

در این دوره از جشنواره خوارزمی از مجموع ۹۶۵ طرح ارسالی به دبیرخانه، تعداد ۲۲ طرح داخلی در رشته‌های شیمی، علوم پایه، علوم پزشکی، کشاورزی و منابع طبیعی، مکانیک، فن‌آوری نانو، صنایع و مدیریت فن‌آوری، هنر و معماری، برق و کامپیوتر، هوافضا و طرح‌های ویژه برگزیده شدند. هیئت داوران پس از بررسی و ارزیابی نهایی طی چندین جلسه علاوه بر ۲۲ طرح از بخش داخلی، ۶ طرح از بخش خارجی، و یک طرح از بخش ایرانیان مقیم خارج را به عنوان برگزیدگان نهایی انتخاب کرد. در بخش داخلی این دوره از جشنواره بین‌المللی، دکتر احمد شعبانی ریاست محترم دانشگاه شهید بهشتی با طرح «کشف و معرفی واکنش‌های چند جزئی جدید بر اساس شیمی ایزوسپانیدها و دی‌آمین‌ها با استفاده از روش «تلفیقی» و «طراحی منطقی» رتبه سوم پژوهش‌های بنیادی را بدست آوردند

اعطای پژوهانه به دانشجویان دوره دکتری

مراسم آغاز اعطای پژوهانه به دانشجویان دوره دکتری با حضور خانم دکتر سلطانه‌خواه معاون علمی-فناوری رییس جمهور و رییس بنیاد ملی نخبگان، عصر روز شنبه هفدهم بهمن ماه در دانشگاه شهید بهشتی برگزار گردید.



انتخاب کتاب سرکارخانم دکتر جملیه علم الهدی به عنوان کتاب برگزیده

کتاب «نظریه اسلامی تعلیم و تربیت» تألیف سرکارخانم دکتر جملیه علم الهدی به عنوان کتاب برگزیده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انتخاب شد.

کتاب «نظریه اسلامی تعلیم و تربیت» تالیف سرکارخانم دکتر جملیه علم الهدی به عنوان کتاب برگزیده و شایسته در دهمین دوره جایزه کتاب فصل (تابستان ۸۸) وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انتخاب گردید

تقدیر از اعضای هیأت علمی ارتقا یافته

همزمان با هفته ی پژوهش و فناوری و در مراسم تقدیر از پژوهشگران برگزیده از اعضای هیأت علمی ارتقا یافته دانشگاه تقدیر شد. در این مراسم از دکتر زهره عبدی دانشپور (عضو هیأت علمی دانشکده معماری و شهرسازی)، دکتر رجبعلی برزویی (عضو هیأت علمی دانشکده علوم ریاضی) و دکتر نصراله حکمت (عضو هیأت علمی دانشکده ادبیات و علوم انسانی) که از مرتبه دانشجویی به استادی ارتقاء یافتند، تقدیر به عمل آمد.

دکتر بهروز ابطحی (عضو هیأت علمی دانشکده علوم زیستی)، دکتر سید محمد تقی روحانی رانکوهی (عضو هیأت علمی دانشکده مهندسی برق و کامپیوتر)، دکتر زهره حبیبی کرهرودی (عضو هیأت علمی دانشکده علوم)، دکتر علی اکبر متکان (عضو هیأت علمی دانشکده علوم زمین)، دکتر محمد عشقی (عضو هیأت علمی دانشکده مهندسی برق و کامپیوتر)، دکتر عباس صادقی (عضو هیأت علمی دانشکده علوم زمین)، دکتر ابوالقاسم ذاکرزاده (عضو هیأت علمی دانشکده ادبیات و علوم انسانی)، دکتر منصور میراحمدی چناروئیه (عضو هیأت علمی دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی)، دکتر سهرابعلی یوسفی (عضو هیأت علمی دانشکده علوم ریاضی)، دکتر سید احمد علوی (عضو هیأت علمی دانشکده علوم زمین)، دکتر عباسعلی حاجی کریمی (عضو هیأت علمی دانشکده مدیریت و حسابداری) و دکتر شیده احمدزاده هروی (عضو هیأت علمی دانشکده ادبیات و علوم انسانی) نیز که از مرتبه استادیاری به دانشجویی ارتقاء یافته بودند در این مراسم مورد تقدیر قرار گرفتند.

برگزاری مراسم تقدیر از پژوهشگران برتر دانشگاه

نوزدهمین مراسم تقدیر از پژوهشگران برتر دانشگاه شهید بهشتی همزمان با هفته پژوهش و فناوری بیست و سوم آذر ماه در تالار عدالت دانشکده حقوق برگزار شد.





در این مراسم که با حضور رئیس دانشگاه ، مدیران و اعضای هیئت علمی برگزار شد، از پژوهشگران برتر دانشکده ها و پژوهشکده ها، اعضای هیئت علمی ارتقاء یافته در سال ۸۷ و ۸۸ ، مؤلفان و مترجمان کتب دانشگاهی و همچنین برندگان جوایز ملی و بین المللی دانشگاه تقدیر به عمل آمد.

با حکم خانم دکتر سلطانخواه معاون علمی و فناوری رییس جمهوری؛ معاون پشتیبانی معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری منصوب شد

معاون علمی و فناوری رییس جمهور طی حکمی جناب آقای دکتر داود طالبی را به سمت «معاون پشتیبانی» این معاونت منصوب کرد.

به گزارش دفتر ارتباطات و اطلاع رسانی معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری؛ در متن حکم خانم دکتر نسرین سلطانخواه خطاب به آقای دکتر طالبی آمده است: « با عنایت به ضرورت پشتیبانی و بسترسازی برای پیشبرد و تعالی علم، فناوری و نوآوری در کشور و با عنایت به مراتب تعهد و کارآمدی و تجارب ارزشمندی که از آن برخوردارید؛ جنابعالی را به سمت معاون پشتیبانی منصوب می نمایم.»

معاون علمی و فناوری رییس جمهور در این حکم خاطر نشان نموده است: « امیدوارم با توکل بر خداوند متعال و در پرتو ارزشها و اصول گراندتر اسلامی و با رعایت صرفه و صلاح بیت المال و امانتداری که در شما سراغ است و با برخورداری از همکاری صمیمانه دستگاهها و مراکز علمی و پژوهشی کشور و واحدهای معاونت به برنامه ریزی و تمشیت امور بپردازید.»

اردوی زیارتی مشهد مقدس

اردوی زیارتی مشهد مقدس در تاریخ ۱۸/۱۲/۸۸ با حضور ۴۴ نفر از دانشجویان و ۱۶ نفر از کارمندان شاهد و ایثارگر برگزار گردید. در این اردو علاوه بر دانشجویان شاهد و ایثارگر دانشگاه جمعی



از دانشجویان شاهد و ایثارگر موسسات غیر انتفاعی تحت پوشش (ارشاد دماوند ، سوره و علوم حدیث) حضور داشتند . با توجه به حضور دانشجویان موسسات غیر انتفاعی نشست ویژه ای توسط مدیر کل امور دانشجویان شاهد و ایثارگر دانشگاه (آقای دکتر طالبی) با کلیه دانشجویان برگزار گردید که در این نشست بررسی مسائل و مشکلات آموزشی و فرهنگی دانشجویان موسسات غیر انتفاعی مطرح و به سوالات دانشجویان پاسخ داده شد . با توجه به برنامه منظم بازدید از خانواده های شهدا در این

تابلوی اعلانات

تشکیل جلسات ستاد امور شاهد و ایثارگر

در زمستان ۸۸ ، جلسات شماره ۲۵۰، ۲۵۱ و ۲۵۲ ستاد امور شاهد و ایثارگر به منظور بررسی تقاضا و مشکلات آموزشی و تحصیلی دانشجویان شاهد و ایثارگر برگزار شد، که طی آنها ۵۱ پرونده (تبصره الحاقی به ماده های ۱۲، ۱۶، ۳، ۲۶، ۱۴، مرخصی تحصیلی، سنوات ، و ...) مورد بررسی قرار گرفت. در این جلسات در خصوص پرونده های ۳۹ نفر دانشجوی مقطع کارشناسی و ۱۲ نفر دانشجوی کارشناسی ارشد تصمیم گیری شد.

ی هنگام، بندر درگهان، جنگل های حرا و خرید از بازارهای قدیم و جدید
قشم بودند.



اردو اولین بازدید از خانواده شهید سید علی آل شهیدی دانشجوی
دانشگاه شهید بهشتی به عمل آمد و در پایان اردو (روز جمعه
مورخ ۸۸/۱۲/۲۱) دانشجویان، کارمندان و همکاران میهمان
غذای حضرتی آقا علی ابن موسی الرضا (ع) در مهمانسرای حضرتی
بودند.

غارهای خربس: این غارها از دوره ی مادها به جا مانده است و بعد ها
چند غار برای شکوه بیشتر آن ساخته شده است.



اردوی قشم

اردوی قشم در تاریخ ۸۸/۹/۱۰ با حضور ۶۰ نفر از دانشجویان شاهد
و ایثارگر و کارمندان شاهد دانشگاه و همکاران ستاد شاهد در فرودگاه
مهرآباد آغاز گردید. برنامه های سفر شامل بازدید از غارهای خربس
، بازدید از پارک زیست فناوری خلیج فارس، زیارتگاه شاه شهیدان، جزیره

کارخانه ی تولید پودر ماهی: پودر ماهی که برای تغذیه ی دامها و ماهی ها کاربرد دارد. جهت تولید این پودر می بایست ماهیها از اعماق ۲۵۰ متری دریا صید شوند و طی فرایند خاص این پودر بدست آید. ظرفیت تولید این کارخانه در منطقه خاورمیانه حرف اول را می زند. در ادامه ی سفر ترتیبی اتخاذ گردید تا مسئولین و اساتیدی که با ستاد شاهد و ایثارگر همکاری دارند به دانشجویان معرفی گردند.



آقای دکتر طالبی ضمن معرفی این اساتید و بیان بیوگرافی و حوزه ی فعالیت آنان از اساتید محترم و دانشجویان دعوت کردند در صورت نیاز به مشاوره میزگرد های کوچکی تشکیل دهند تا اساتید در حل مشکلات دانشجویان به آنان کمک کنند و در پایان جلسه عکس یادگاری گرفته شد.

بازدید از پارک زیست فناوری خلیج فارس: توضیحاتی در مورد افتتاح این پارک و بخشهای مختلف آن و همچنین توضیحاتی نیز در مورد کشف قارچ ها و کشت بافت در این موسسه از طرف کارشناسان ایراد گردید. ناگفته نماند آقای دکتر آقا میری مدیر پارک زیست فناوری خلیج فارس هستند.

جزیره ی هنگام: این جزیره ی زیبا که یادآوری آن خاطره ی قایق سواری و تماشای دلفین ها را در ذهن زنده می کند، یک جزیره تاریخی مشتمل بر چند روستا است و شغل تمام مردمان آن از مرد و زن ماهیگیری است.



بندر در گهان: شامل چند بازار قدیمی و مجتمع های تجاری است که اکثر مسافرینی که به قشم مسافرت کرده اند از این محل خرید می کنند. سبک بازار قدیمی در گهان گنبدی شکل است.

جنگلهای حرا: این جنگلهای زیبا مشتمل بر درخت هایی است خارق العاده که به صورت مجتمع بر روی آب قرار گرفته اند و آبهای شور را طبق فرایندی داخلی به آب شیرین تبدیل می کنند.

عاشورا باید رویکردهای مختلف را در یکجا بررسی و ارزیابی کرد. البته ذکر این نکته ضروری است که مولف در بعضی موارد به دلیل وجود تناقض پنهانی نظریات و برای جلوگیری از استفاده‌های نادرست، ناچار به نقد آنها نیز پرداخته است. معیار این کتاب در انجام این نقد و بررسی‌ها سه چیز بوده است:



معرفی کتاب

فلسفه عاشورا

از دیدگاه اندیشمندان جهان

نام کتاب: فلسفه عاشورا از دیدگاه اندیشمندان جهان اسلام

(کتاب برگزیده جشنواره معلمان مؤلف در سال ۸۱)

نویسنده: بخشعلی قنبری

کتاب فلسفه عاشورا از دیدگاه اندیشمندان جهان اسلام از آن جهت شایان توجه است که حاوی نظرات مختلف و رویکردهای متعدد اندیشمندان در مورد قیام عاشورا می‌باشد. نویسنده این کتاب به این باور رسیده است که برای جوابگویی به نیازهای علمی، معنوی و روحی همه اقشار جامعه و ارائه نگرشی همه‌جانبه از حادثه

۱- عقل و منطق

۲- توجه به کاربرد دنیوی دین

۳- توجه به کلیت دین

مطالعه این کتاب به همه عزیزان توصیه می‌شود.

در محضر استاد

بوده است. متأسفانه در طول تاریخ، تحریف‌هایی چه در انگیزه‌ها و اهداف، چه در چهره‌های حماسه‌ساز و چه در برنامه‌های مربوط به عاشورا انجام شد که این تحریف‌ها برخی به محتوا، برخی به شکل و برخی به افراد برمی‌گردد.

کتاب‌هایی که به عنوان مقتل نوشته شد و روضه‌هایی که برای عاشورا گفته و خوانده شد، گاهی چون با انگیزه گریاندن مستمعان بود، آمیخته به مطالب ضعیف، غیر مستند و احیاناً دروغ شد.

علاقه‌ای که به چهره‌های عاشورایی وجود داشت، سبب شد در حوادث آن حماسه، غلوه‌ها و مبالغه‌هایی نقل شود که غیر عقلی و باور نکردنی است. آمار و ارقام کشته‌ها و برخی حوادثی که به ظاهر غم‌انگیز و سوزناک بود، بر اصل واقعه افزوده شد. انگیزه آن حماسه، گاهی تا حد کشته شدن برای شفاعت تنزل یافت، نوع برخوردهای امام حسین(ع)، حضرت زینب و امام سجاد(ع) و کودکان و اهل بیت، گاهی به صورت عجز و لابه و ذلت و حقارت در برابر فاسقانی چون یزید و عمر سعد و ابن زیاد و شمر در آمد و خواسته بزرگ امام در این میدان حماسه، که رد بیعت با حکومت جور بود، به درخواست جرعه‌ای آب برای لب عطشان خویش یا گلوی خشک علی‌اصغر در آمد.

استاد شهید مرتضی مطهری از جمله اندیشمندانی است که این تحریفات را ریشه یابی کرده و به علل و عوامل آن از زوایای مختلف پرداخته است. استاد مطهری در خصوص این تحریفات معتقد است: "برای مصیبت امام حسین (ع) و اهل بیتش (س) به

امام حسین(ع) و نهضت پرشور عاشورا در اندیشه استاد شهید مرتضی مطهری، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است. دغدغه استاد در معرفی این نهضت به حدی بوده که بارها موضوعات سخنرانی مهم و با ارزش ایشان را این موضوع به خود اختصاص می‌داد.

۱۵

آن همه گریه بر سیدالشهدا و عزاداری برای سید مظلومان نیز، برای زنده نگهداشتن این مکتب جهاد و شهادت و حفظ ارزش‌ها

نفر را کشته است، اگر فرض شود هرثانیه یک نفر را بکشد برای این تعداد هشتاد و سه ساعت و بیست دقیقه وقت لازم است. بعد دیدند این تعداد کشته با طول روز جور در نمی آید، گفتند روز عاشورا هم هفتاد ساعت بوده است!

همین طور درباره حضرت ابوالفضل (ع) گفته‌اند که بیست و پنج هزار نفر را کشت! که حساب کردم اگر در هر ثانیه یک نفر کشته شود، شش ساعت و پنجاه و چند دقیقه و چند ثانیه وقت می‌خواهد.

عوامل تحریف

استاد مطهری در این رابطه عوامل تحریف را به طور مبسوط مورد بررسی قرار داده و می‌گوید: "به طور کلی عواملی وجود دارد که همواره تاریخ را دچار تحریف کرده است و این تحریفات تنها اختصاص به حادثه عاشورا ندارد." مثلا همیشه اغراض دشمنان، خود، عاملی است برای اینکه حادثه‌ای را دچار تحریف کنند. دشمن برای اینکه به هدف و غرض خود برسد، تغییر و تبدیلی در متن تاریخ ایجاد و یا توجیه و تفسیرهای ناروایی از تاریخ می‌کند و این نمونه‌های زیادی دارد که در تحریف واقعه کربلا هم این عامل دخالت داشته است.

عامل دوم، تمایل بشر به اسطوره‌سازی و افسانه‌سازی است و این در تمام تواریخ دنیا وجود دارد، افرادی که شخصیت آنها، شخصیت پیشوایی است، قول آنها، عمل آنها، قیام آنها، نهضت آنهاست و حجت است، نباید در سخنانشان، در شخصیتشان، در تاریخچه شان

خاطر آن همه زجرهای روحی و جسمی و ضربات شمشیرها نباید گریست، بلکه باید به خاطر مظلومیت و دروغ پردازی‌هایی گریست که مقام حضرت اباعبدالله الحسین (ع) را منزل می‌کند." وی در ادامه می‌گوید: در برخی از این تحریفات اشاره شده که لیلا مادر علی اکبر (ع) نذر کرده که اگر فرزندم سالم بماند از کربلا تا



مدینه ریحان خواهم کاشت، بعدها علما با سند این مطلب را رد کردند. اولاً حضرت در کربلا حضور نداشته، ثانیاً منطقه ی در بین راه کربلا و مدینه برای کشت ریحان بلا امکان است، ثالثاً مسافت بین آن دو شهر سیصد فرسنگ است.

در جای دیگر نیز گفته‌اند، امام حسین (ع) در کربلا سیصد هزار

و آن گریستن بر امام حسین(ع) است که کار خوبی است و باید گریست، به چه وسیله بگریانیم؟ گفتند، اشک جاری می‌شود یا نه؟ همین قدر که اشک جاری شود اشکال ندارد، شیپور بزنیم، طبل بزنیم، به بدن مرد لباس زن بپوشانیم، عروسی قاسم بگیریم، جعل کنیم، تحریف کنیم، در دستگاه امام حسین(ع) این حرف‌ها مانعی ندارد، در نتیجه افرادی دست به جعل و تحریف این واقعه بزرگ زدند."

تاریخچه با عظمت کربلا که به دست ما افتاده، هم دچار تحریف لفظی و هم دچار تحریف معنوی شده است. یعنی ما از خودمان ساز و برگ‌هایی بر پیکره این تاریخ ساخته‌ایم که چهره با عظمت و نورانی آن را تاریک و ظلمانی و قیافه زیبای آن را زشت کرده‌ایم. استاد مطهری معتقد است: هرگز نمونه‌ای از یک مکتب عملی در دنیا پیدا نمی‌شود که نظیر مکتب حسین بن علی(ع) باشد. اگر شما نمونه حسین بن علی را پیدا کردید، آن وقت بگویید چرا ما هر سال باید یاد حسین بن علی را تجدید کنیم.

نظیر آنچه که حسین بن علی در حادثه عاشورا، از ایمان کامل به جهان دیگر، از رضا و تسلیم، از صبر، از مردانگی، از طمأنینه نفس از ثبات و استقامت، از عزت و کرامت نفس، از آزادیخواهی و آزادی طلبی، از این که در فکر انسان باشد، از این که در خدمت انسان باشد، اگر در دنیا نمونه‌ای پیدا کردید، آن وقت بگویید چرا ما نام حسین بن علی را زنده کنیم."

تحریفی واقع شود.

عامل سوم یک عامل خصوصی است، دو عامل پیشین در تمام تواریخ دنیا هست، ولی در خصوص حادثه کربلا یک جریان و عامل بخصوصی هست که سبب شده است در این داستان، جعل واقع شود.

پیشوایان دین از زمان پیغمبر اکرم و ائمه اطهار دستور اکید داده‌اند که باید نام حسین بن علی(ع) زنده بماند، باید مصیبت حسین بن علی(ع) هر سال تجدید شود، چرا این چه دستوری است در اسلام، چرا ائمه دین این همه به این موضوع اهتمام داشتند، و چرا برای زیارت حسین بن علی(ع) این همه ترغیب و تشویق است؟" از دیدگاه مطهری حسین(ع) مکتب عملی اسلام را تاسیس کرد. حسین(ع) نمونه عملی قیام‌های اسلامی است. خواستند مکتبش زنده بماند، خواستند سالی یکبار امام(ع) با آن انگیزه‌اش ظهور کند و برای همیشه زنده بماند.

"هر چه ما در این راه کوشش کنیم به شرط آنکه هدف آن را تشخیص دهیم بجاست. اما متأسفانه عده‌ای این را نشناختند، خیال کردند بدون اینکه مردم را با فلسفه قیام حسینی و مکتبش آشنا کنند و مردم را عارف به مقامات حسینی کنند، همین قدر که آمدند و نشستند و نفهمیده و ندانسته گریه‌ای کردند، کفاره گناهان است.

بعضی می‌گویند هدف وسیله را مباح می‌کند. هدف که خوب باشد، وسیله هر چه باشد، شد! اینها هم گفتند ما یک هدف مقدس داریم

۱۸ اسفند روز بزرگداشت

سیدجمال الدین اسدآبادی

بنیانگذار جنبش‌های اسلامی معاصر

یادمان

پی به کشورهای اسلامی و اروپایی، برقراری و پایدار کردن پیوند جهانی اسلام و طرح رویکردهای نو در زمینه‌های اجتماعی و دینی را پی گرفت.

وی در این راه، فعالیت گسترده و گوناگونی را مانند انتشار روزنامه، برگزاری نشست‌های علمی، نوشتن مقالات و انجام سخنرانی‌های ادبی و سیاسی، از خود به جای نهاد.

رویکرد‌هایی نظیر جمهوری خواهی و مشروط کردن قدرت سلطنت در ایران، برگرفته از افکار بزرگ و اصلاحی سید جمال الدین بود که در آن زمان در متن اعتراضات مردمی در ایران به صورت محسوسی شکل گرفت.

یک نویسنده پیرامون اوضاع سیاسی اجتماعی ایران در آن زمان و تاثیرات اندیشه‌های سید در روحیه مبارزه طلبی مردم ایران می نویسد: "روح و روان مردم و همچنین اوضاع سیاسی اجتماعی ایران دو قرن پیش یعنی زمان ظهور سید جمال آمیخته به واژه‌هایی نظیر سکوت و گوشه نشینی، ترس و خودباختگی، قشری نگری و رضایت به وضع موجود بود. این درحالی بود که بیشتر عالمان دین

افکار سیدجمال از لحاظ شدت تأثیر بی نظیر بود. بسیاری از مردم بیدار دل و شیفته آزادی که به کنه افکار و نظریات سید پی برده بودند راه او را در قالب یک انقلاب فکری ادامه دادند. افکار سید راجع به آزادی و مساوات و طرح اساسی حکومت مشروطه اندکی پس از او به وسیله مریدان و شاگردانش بروز کرد. شیخ احمد روحی، میرزا آقاخان کرمانی و میرزا حسن خان خبیر الملک از جمله کسانی بودند که در نشر افکار و نظریات سید کوشش بسیار کردند.

سید جمال الدین را از لحاظ وسعت فکر و همت بلندی که داشت نمی توان به یک کشور و یا یک ملت اختصاص داد. در اندیشه‌های متحول سید، ایجاد وحدت بین کلیه ملل و ممالک اسلامی و ایجاد سدی در برابر اغراض استعماری انگلستان و سایر دول استعمارطلب جهان، برجسته و نمایان بود و در راه بیداری همه ملل اسلامی مانند ایران، مصر، عثمانی، افغانستان و هند به یک اندازه کوشید.

سید جمال به منظور پیاده ساختن اهداف یادشده، با سفرهای پی در

و دانش آموختگان مدارس جدید را توان تاثیر گذاری و مبارزه با فضای حاکم نبود و لذا شاهد گسترش هر چه بیشتر فقر و بیسوادی و مسائل ناشی از آن یعنی عقب افتادگی و فساد مالی و مهمتر از همه خودکامگی حکام و وابستگی سیاسی و اقتصادی به دول خارجی بودیم." او آزاد اندیشی بود که از میان همین مردم سربرآورد و با شناختی که از نقاط ضعف و قوت جامعه و فرهنگ ایرانی داشت با ایمان به قدرت اسلام و فرهنگ اسلامی، حاکمان و نخبگان را بیدار باش داد و با تمام قوا به مبارزه با پایه های عقب ماندگی و فقر و ناتوانی پرداخت. اندیشه های وی آنقدر روشن، پرتوان و نو بود که توانست در جای جای سرزمین های اسلامی، چراغی را برافروزد و جمعیتی را به گرد خود جمع آورد.

از رهگذر پذیرش اندیشه های او بود که جنبش های اصلاحات درونی و عصیان ها در برابر استعمارنوپا سربرآورد و تاریخ اندیشه ورزی در ملل شرق را به عرصه های جدیدی وارد نمود.

امروزه اگر ریشه های آزادی خواهی و توجه به اسلام در کشورهایی مانند ترکیه، پاکستان، هندوستان، مصر و ایران دیده می شود بی گمان رگه هایی از اندیشه های او و رهروان وی دارد.

وی با طرح شعار بازگشت به خویشتن، به ضرورت احیای اسلام و اتحاد امت اسلامی پرداخت. هدف سید از طرح این شعار، مبارزه با نفوذ استعمار و مقابله با امپریالیسم بود، هدفی که در سراسر عمر خود آن را دنبال کرد. با توجه به نقشی که سید در بیداری امتها و آگاه ساختن علما و مردم در بلاد اسلامی داشته است، باید او را پایه گذار حرکت بیداری در جهان اسلام بدانیم. به شکلی که تمام جنبش های اسلامی در دوره های بعد از درگذشت وی، ردپایی از اندیشه های او را با خود دارند.



"یادش گرامی"

از ایران تا ایران

خاطراتی از آزادگان

(قسمت چهارم)

دکتر داود طالبی

عضو هیأت علمی دانشکده مدیریت و

حسابداری دانشگاه شهید بهشتی

گروه مدیریت صنعتی

نیروهای خودی یا دشمن

خوراکی ها تمام شد. یادم نمی رود که آخرین خوراکی خنک که در آن آفتاب سوزان خوردم یک نصف شلیل بود. راستش خیلی خوشمزه بود و حسای چسبید! دیگر با این وضعیت زمان آن بود که فوراً خود را از آن موضع دور کنیم هر چند که فاصله ما با عراقی ها حدود صد متر بیشتر نبود. داخل کانال لحظاتی به فکر فرو رفتیم. چکار باید کرد؟ به یکی از مسولین گروهان گفتم چکار باید کرد؟ تا دیر نشده فکری کنیم. گفت تکلیف مقاومت است. گفتم ولی نه آب و نه غذا و مهمتر از همه هیچ سلاح و مهماتی نداریم. الان فرمانده عقل است (چون به لحاظ قطع سیستم ارتباطی، هیچ رابطه ای با فرماندهی نداشتیم) در همین موقع عده ای متوجه مقداری نیرو با نفر بر در پشت سرمان شدند. همه خوشحال شدند و گفتند که: نیروهای خودی، نیروهای خودی! اما من و تعداد کمتری باور نکردیم و با یک نگاه گفتیم که اینها عراقی هستند. پس از گذشت مدت زمان اندکی (حدود ۱۰ الی ۱۵ دقیقه) تصمیم

آفتاب داغ در ظهر شنبه اول مرداد ۶۷ بر این قطعه از زمین (جاده اهواز - خرمشهر) می تابد. بچه ها آخرین دفاع را با آخرین مهمات و سلاح های سبک در برابر تانکها و نفربرهای عراقی از خود نشان می دهند. خودمان هم باور نمی کنیم که با اسلحه کلاشینکف؛ تانکها، نفربرها و نفرات روی آنها را با چشمان غیر مسلح مورد هدف قرار داده و از نزدیک شلیک می کنیم. بالاخره مهمات نیز همچون آب و

حالا دیگر حلقه محاصره کامل شده بود. گروه ۱۷ نفره قبلی همگی قبل از کامل شدن حلقه محاصره رفتند و ما ماندیم! عراقی ها بدون هیچگونه سرو صدایی ایستاده بودند شلیک هم نمی کردند شاید همین کار آنها باعث شده بود که بعضی دوستان فکر می کردند خودی اند. فاصله کمتر از ۱۰۰ متر بود. دوستانی که مقداری خوشبین بودند نزدیکتر شدند. حالا دیگر دشمن بودن آنها قطعی شد. وقتی که فاصله خیلی نزدیک شد عراقی ها شروع به تیراندازی به سمت زمین کردند. چون دیگر هدف اصلی و مهم آنها گرفتن اسیر بود نه کشتن. خوب است بدانید که در بین ما ۱۷ نفر؛ آقای سادگی، من و آقای همتی از نظر سنی از همه بزرگتر بودیم. بنده در آن زمان ۲۴ ساله بودم. آقای همتی نیز ۲۳ ساله دانشجوی رشته مهندسی شیمی دانشگاه اصفهان و اهل تهران بود.

گروه ۱۶+۱ نفره

خوب من شب گذشته به گردان حضرت زینب (س)- گروهان القدر ملحق شده بودم. فقط از جمع حاضر آقای پرویز سادگی معاون گروهان و آقای علیرضا همتی پیک گروهان من را می شناختند. بقیه افراد نه اسم من و نه چهره ام را بیاد داشتند و لی به هر حال بنده به همراه آن ۱۶ نفر یک گروه ۱۷ نفره ای بودیم که در دستان دشمن یعنی اسیر شدیم. از شدت تشنگی از حال رفته بودیم طلب آب کردیم. یک ظرف آب گل آلود به ما دادند.

گرفته شد که این گروه ۳۴ نفره به دو دسته ۱۷ نفره تقسیم شوند یک گروه داخل کانال بمانند و دشمن را با مقاومت فریب دهد و عده دیگر خود را به عقب برسانند و تا حلقه محاصره کامل نشده خود را نجات دهند. با اندک فشنگی که چند نفر داشتند صرف مشغول کردن عراقی ها شدیم و آن گروه اولی خود را به منطقه خودی رساندند و سرنوشتشان از سرنوشت ما جدا شد.

اما ما گروه دوم دقیقا ۱۷ نفر باقی ماندیم. حالا نوبت ما بود که خود را از حلقه تقریبا کامل محاصره برهانیم. اما....

آقای پرویز سادگی معاون فرمانده گروهان ما (گروهان القدر) فرماندهی این ۱۷ نفر باقیمانده را بر عهده داشت. آقای محمد اکرمی فرمانده گروهان به همراه آقای نبیونی و ۱۷ نفر گروه اول از نقطه ای که هنوز حلقه محاصره کامل نشده بود عبور کردند.

آقای سادگی گفت بچه ها آماده باشید که از داخل کانال به سمت چپ یعنی جنوب برویم. حرکت کردیم. همین که از کانال بیرون آمدیم بارانی از گلوله های اسلحه سبک و خمپاره ۶۰ میلیمتری و ... بر سرمان ریخت. همه زمین گیر شدیم هر کس پناهی گرفت من و برادر عزیزم علیرضا همتی پشت بوته ای رفتیم و به این خیال که از دید دشمن مخفی شویم. زمین از شدت گلوله ها در حال شخم خوردن بود. هنوز عده ای از دوستان معتقد بودند که آن عده ای که پشت سرمان هستند؛ خودی هستند ولی بنده و تنی چند از دیگر دوستان همچنان معتقد بودیم که آنها دشمن هستند.

۱- اسامی ۱۷ نفر: پرویز سادگی، علیرضا همتی، داود طالبی، بیژن (حسین) رضایی، علی کاظمی مقدم (فرزند شهید و برادر شهید)، محمود انصاری، علی اکبر آبائی، علی اکبر عابدینی (این دو علی اکبر پسر خاله هستند)، محمد حسن انصاری، محمد بیگی، مجید صلیبی، محسن نوری، مصطفی (شاهرخ) حسین زاده، محمد کاووسی، علی اسدی و مصطفی فراهانی.

دوباره به یک مقر فرماندهی دیگر. رفتار این مقر بدتر و تندتر از قبلی ها بود، در هر مرحله اسم و سایر مشخصات را می گرفتند و در هر مرحله کتک زدن با شدت بیشتری انجام می شد. در این بین حتی مجروحان و افراد بدحالتتر هم مصون نبودند. اصلاً تصور نمی کردیم که مجروحین را هم مثل ما داخل کامیون ها بیاندازند؛ و بدون هیچگونه مداوایی، چه رسد به اینکه حتی تنبیه هم بکنند. حدود ۴ یا ۵ مقر خطوط دشمن را پشت سر گذاشتیم و هوا رفته رفته تاریک می شد. چراغهای شهر بصره روشن شده بود. کامیون ها با سرعت از این بیابان ها و دست اندازها عبور کرده و ما با دستان بسته، گرسنه و تشنه در پشت کامیون از اینطرف به آن طرف پرتاب می شدیم. در صورت کوچکترین حرکت با اعتراض قنடاق اسلحه یا لگد عراقی ها پذیرایی می شدیم. دیگر از سربازان عادی خبری نبود. گارد ویژه و بعثیون با چهره های خشن و کلاه قرمز بالا سرمان بودند و به زبان عربی به ناسزاگویی می پرداختند، ما ۱۷ نفر سعی می کردیم در هر مرحله که پیاده می شدیم و سوار می شدیم همدیگر را گم نکنیم و جدا نشویم که خوشبختانه اینطور هم شد. البته این کار را به گونه ای انجام می دادیم که دشمن متوجه نشود.

در بین راه با تعدادی از رزمندگان گردانهای امام حسن(ع) و امام حسین(ع) که قبل از ما به اسارت درآمده بودند آشنا شدیم. این دو گردان، مقاومت سر سخنانه و خوبی کرده بودند. تعداد زیادی از آنها به شهادت رسیده و یا مجروح شدند و برخی از آنها هم که اسیر شده بودند.

ادامه دارد...

از اینکه در مرحله اول با ما برخورد تند و بدی نمی کردند در تعجب فرو رفته بودیم - اما این اول کار بود...

پس از دقایقی دست های ما را بستند و سوار بر نفربرها و تانک ها کردند. من و محمود انصاری روی بدنه داغ تانک درست کنار دودکش (اگزوز) قرار گرفته بودیم. دستهایمان بسته و کاری هم نمی توانستیم بکنیم. تانکها و نفربرهای عراقی به سرعت از روی جاده اهواز خرمشهر و خط راه آهن به سمت مرزهای بین المللی حرکت می کردند. انگار پی برده بودند که نیروهای تازه نفس ایران در حال رسیدن هستند. دشمن کینه توز تانکها را بطور عمد از روی ریلهای راه آهن می بردند که ریلها را تخریب کنند. الان که این خاطرات را می نویسم به یاد حاج حسن افتادم. حاج حسن از اعراب خوزستان بود و با لباس عربی در آن بیابانها مشغول سوزن بافی ریلها و خطوط راه آهن بود که دشمن بعثی حتی به او نیز رحم نکرد و وی را دستگیر کرد. در صورتی که برابر مقررات بین الملل، در زمان جنگ نیروهای غیر نظامی (مردم) مصون از هر گونه تعرض هستند.

پس از مدتی طی مسیر به اولین مقر فرماندهی دشمن رسیدیم، از فرصت استفاده کرده و نماز ظهر و عصر را خواندیم. هر چند که آنها بواسطه تبلیغات سوء بعثیون ما را مسلمان حتی نمی پنداشتند. از شدت تشنگی و گرسنگی از حال رفته بودیم. از آب و غذا دیگر خبری نبود. رفتارهای خشن همراه با تنبیهات بدنی شروع شد. مجدداً ما را حرکت داده و سوار بر کامیونهای ارتش عراق بنام (ایفا) کردند، همچنان با دستان بسته.

زندگینامه حضرت امام حسن عسگری (ع)

شهادت حضرت امام حسن عسگری (ع)

۸ ربیع الاول
سال ۲۶۰ ه.ق
مصادف با ۴ اسفند ۸۸

دوران امامت

به طور کلی دوران عمر ۲۹ ساله امام حسن عسگری (ع) به سه دوره تقسیم می‌گردد: دوره اول ۱۳ سال است که زندگی آن حضرت در مدینه گذشت، دوره دوم ۱۰ سال در سامرا قبل از امامت و دوره سوم نزدیک ۶ سال امامت آن حضرت می‌باشد. دوره امامت حضرت عسگری (ع) با قدرت ظاهری بنی عباس رو در روی بود. خلفایی که به تقلید هارون در نشان دادن نیروی خود بلندپروازیهایی داشتند. امام حسن عسگری (ع) از شش سال دوران امامتش، سه سال را در زندان گذرانید. زندانبان دو غلام ستمکار را بر امام گماشته بود، تا بتواند آن حضرت را - به وسیله آن دو غلام - آزار بیشتری دهد، اما آن دو غلام که خود از نزدیک ناظر حال و حرکات امام بودند تحت تأثیر آن امام بزرگوار قرار گرفته به صلاح و خوش رفتاری گراییده بودند. وقتی از این

امام حسن عسگری (ع) در سال ۲۳۲ هجری در مدینه چشم به جهان گشود. مادر والا گهرش سوسن یا سلیل، زنی لایق و صاحب فضیلت بودو در پرورش فرزند نهایت مراقبت راداشت تا حجت حق را آن چنان که شایسته است پرورش دهد. این زن پرهیزگار در سفری که امام عسگری (ع) به سامرا داشت همراه امام بود و در سامرا از دنیا رحلت کرد. کنیه آن حضرت ابامحمد بود.

امام یازدهم صورتی گندمگون و بدنی در حد اعتدال داشت. ابروهای سیاه کمانی، چشمانی درشت و پیشانی گشاده و خالی بر گونه راست داشت. امام حسن عسگری (ع) بیانی شیرین و جذاب و شخصیتی الهی باشکوه و وقار و مفسری بی نظیر برای قرآن مجید بود. راه مستقیم عترت و شیوه صحیح تفسیر قرآن را به مردم و به ویژه برای اصحاب بزرگوارش - در ایام عمر کوتاه خود - روشن کرد.

مردان بزرگی چون یعقوب بن اسحاق کندی ، که خود معاصر امام حسن عسکری بود و تحت تعلیمات آن امام ، گردید . در قدرت علمی امام (ع) - که از سرچشمه زلال ولایت و اهل بیت عصمت مایه گرفته بود - نکته‌ها گفته‌اند . از جمله : همین یعقوب بن اسحاق کندی فیلسوف بزرگ عرب که دانشمند معروف ایرانی، ابونصر فارابی شاگرد مکتب وی بوده است ، در مناظره با آن حضرت درمانده گشت و کتابی را که بر رد قرآن نوشته بود سوزانید و بعدها از دوستان و در صف پیروان آن حضرت درآمد .



شهادت امام حسن عسکری (ع)

شهادت آن حضرت را روز جمعه هشتم ماه ربیع الاول سال ۲۶۰ هجری نوشته‌اند . در کیفیت وفات آن امام بزرگوار آمده است : فرزند عبیدالله بن خاقان گوید روزی برای پدرم (که وزیر معتمد

غلامان جویای حال امام شدند ، می‌گفتند این زندانی روزها روزه‌دار است و شبها تا بامداد به عبادت و راز و نیاز با معبود خود سرگرم است و با کسی سخن نمی‌گوید .

عبیدالله خاقان وزیر معتمد عباسی با همه غروری که داشت وقتی با حضرت عسکری ملاقات می‌کرد به احترام آن حضرت برمی‌خاست ، و آن حضرت را بر مسند خود می‌نشاند . پیوسته می‌گفت : در سامره کسی را مانند آن حضرت ندیده‌ام ، وی زاهدترین و داناترین مردم روزگار است . پسر عبیدالله خاقان می‌گفت : من پیوسته احوال آن حضرت را از مردم می‌پرسیدم . مردم را نسبت به او متواضع می‌یافتم . می‌دیدم همه مردم به بزرگواریش معترفند و دوستدار او می‌باشند . با آنکه امام (ع) جز با خواص و شیعیان خود آمیزش نمی‌فرمود ، دستگاه خلافت عباسی برای حفظ آرامش خلافت خود بیشتر اوقات ، آن حضرت را زندانی و ممنوع از معاشرت داشت .

امام حسن عسکری (ع) بیش از ۲۹ سال عمر نکرد و در مدت شش سال امامت و ریاست روحانی اسلامی ، آثار مهمی از تفسیر قرآن و نشر احکام و بیان مسائل فقهی و جهت دادن به حرکت انقلابی شیعیانی که از راههای دور برای کسب فیض به محضر امام (ع) می‌رسیدند بر جای گذاشت .

در زمان امام یازدهم تعلیمات عالیہ قرآنی و نشر احکام الهی و مناظرات کلامی جنبش علمی خاصی را تجدید کرد ، و فرهنگ شیعی در رشته‌های دیگر نیز مانند فلسفه و کلام باعث ظهور

بدین جهت به بهانه‌های مختلف در خانه حضرت عسکری (ع) رفت و آمد بسیار می‌کردند ، و جستجو می‌نمودند تا از آن فرزند گرامی اثری بیابند و او را نابود سازند .

در قدرت علمی امام (ع) - که از سرچشمه زلال ولایت و اهل

بیت عصمت مایه گرفته بود. نکته‌ها گفته‌اند. از جمله : همین یعقوب

بن اسحاق کندی فیلسوف بزرگ عرب که دانشمند معروف ایرانی،

ابونصر فارابی شاگرد مکتب وی بوده است ، در مناظره با آن

حضرت درمانده گشت و کتابی را که بر رد قرآن نوشته بود سوزانید

و بعدها از دوستان و در صف پیروان آن حضرت در آمد .

به راستی داستان نمرود و فرعون در ظهور حضرت ابراهیم (ع) و حضرت موسی (ع) تکرار می‌شد . حتی قابله‌هایی را گماشته بودند که در این کار مهم پی جویی کنند . اما خداوند متعال حجت خود را از گزند دشمنان و آسیب زمان حفظ کرد ، و همچنان نگاهداری خواهد کرد تا مأموریت الهی خود را انجام دهد.

منبع : مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)

عباسی بود) خبر آوردند که ابن الرضا - یعنی حضرت امام حسن عسکری - رنجور شده ، پدرم به سرعت تمام نزد خلیفه رفت و خبر را به خلیفه داد . خلیفه پنج نفر از معتمدان و مخصوصان خود را با او همراه کرد . یکی از ایشان نحیر خادم بود که از محرمان خاص خلیفه بود ، امر کرد ایشان را که پیوسته ملازم خانه آن حضرت باشند و بر احوال آن حضرت مطلع گردند . و طیبی را مقرر کرد که هر بامداد و پسین نزد آن حضرت برود و از احوال او آگاه شود . بعد از دو روز برای پدرم خبر آوردند که مرض آن حضرت سخت شده است و ضعف بر او مستولی گردیده . پس بامداد سوار شد ، نزد آن حضرت رفت و اطبا را - که عموماً اطبای مسیحی و یهودی در آن زمان بودند - امر کرد که از خدمت آن حضرت دور نشوند و قاضی القضاة (داور داوران) را طلبید و گفت ده نفر از علمای مشهور را حاضر گردان که پیوسته نزد آن حضرت باشند . و این کارها را برای آن می‌کردند که آن زهری که به آن حضرت داده بودند بر مردم معلوم نشود و نزد مردم ظاهر سازند که آن حضرت به مرگ خود از دنیا رفته ، پیوسته ایشان ملازم خانه آن حضرت بودند تا آنکه بعد از گذشت چند روز از ماه ربیع الاول سال ۲۶۰ هـ . ق آن امام مظلوم در سن ۲۹ سالگی از دار فانی به سرای باقی رحلت نمود . بعد از آن خلیفه متوجه تفحص و تجسس فرزند حضرت شد ، زیرا شنیده بود که فرزند آن حضرت بر عالم مستولی خواهد شد و اهل باطل را منقرض خواهد کرد . خلفای قبل و بعد از او - از طریق روایات مورد اعتمادی که به

ملی شدن صنعت نفت

در سالهای ۱۳۲۶ و ۱۳۲۷ مذاکراتی بین نوپل گس، از مقامات شرکت نفت ایران و انگلیس، و عباسقلی گلشائیان، وزیر دارائی دولت ساعد انجام شد و حاصل آن قراردادی بود که به قرارداد الحاقی گس-گلشائیان معروف شد. طبق این قرارداد، حق امتیاز ایران از نفت جنوب افزایش می‌یافت ولی در عین حال قرارداد اصلی یعنی قرارداد ۱۹۳۳ تغییری نمی‌کرد بلکه برپایه قانونی استواری قرار می‌گرفت.

دکتر مصدق اگرچه در دوره پانزدهم در مجلس حضور نداشت ولی به کمک نمایندگانی از جبهه ملی مثل حسین مکی، مظفر بقائی و ابوالحسن حائری‌زاده توانست از تصویب آن جلوگیری کند و عمر مجلس پانزدهم به پایان رسید. شاه در این دوره به مقامات بریتانیا اطمینان می‌داد که اگر با اصلاحات او و افزایش اختیاراتش موافقت کنند قرارداد الحاقی نیز به تصویب خواهد رسید. او روی اعمال نفوذ دربار و ارتش برای جلوگیری از انتخاب نمایندگان مخالف این قرارداد در مجلس شانزدهم، حساب می‌کرد.

با شروع انتخابات و روشن شدن اعمال نفوذهای وسیع در جریان آن، دکتر مصدق با عده‌ای از هم‌فکرانش در اعتراض به وضع انتخابات دربار متحصن شدند. شاه با اکراه آنان را در کاخ پذیرفت ولی اعتراض آنان به انتخابات را قبول نکرد. دکتر مصدق و همراهانش در این تحصن جبهه ملی ایران را پایه گذاشتند که در سال‌های بعد نقش موثری در صحنه سیاسی ایران داشت. دکتر مصدق و چند تن دیگر از جبهه ملی در انتخابات مجلس شانزدهم (پس از ابطال صندوق‌های تهران و رأی‌گیری مجدد) به مجلس راه یافتند.

قانون ملی شدن صنعت نفت در واقع پیشنهادی بود که با امضای همه اعضای کمیسیون مخصوص نفت در مجلس شورای ملی ایران در ۱۷ اسفند ۱۳۲۹ به مجلس ارائه شد و تصویب گردید.

متن پیشنهاد تصویب شده:

"به نام سعادت ملت ایران و به منظور کمک به تأمین صلح جهانی، امضاکنندگان ذیل پیشنهاد می‌نماییم که صنعت نفت ایران در تمام مناطق کشور بدون استثناء ملی اعلام شود یعنی تمام عملیات اکتشاف، استخراج و بهره‌برداری در دست دولت قرارگیرد" مجلس سنا نیز این

پیشنهاد را در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ تصویب کرد و پیشنهاد قانونی شد.

در همین دوره عبدالحسین هژیر که پس از نخست‌وزیری مدتی عملاً و بعد رسماً وزیر دربار بود به دست فدائیان اسلام کشته شد و این ضربه‌ای به دربار و شاه بود. مجلس شانزدهم پس از تشکیل، به ساعد (که شاه دوباره بدون رای تمایل مجلس او را منصوب کرده بود) رای اعتماد نداد و دوران نخست‌وزیری او به پایان رسید، بدون این‌که بتواند قرارداد الحاقی را که دربار و دولت بریتانیا به تصویب آن نظر داشتند به تصویب برساند.

پس از ساعد، علی منصور با حمایت روشن سفارت و شخص سفیر بریتانیا یعنی لوروژتل، نخست‌وزیر شد. بریتانیایی‌ها او را قادر به قبولاندن قرارداد الحاقی به مجلس می‌دانستند. منصور نیز بدون رای تمایل به نخست‌وزیری رسید و شاه به این ترتیب می‌خواست بر اختیارات خود تاکید کند.

در ۴ خرداد ۱۳۲۹ دکتر مصدق در نطقی مجلس مؤسسان را غیرقانونی خواند و به شاه نصیحت کرد که از اقدامات خلاف قانون اساسی مشروطه دوری کند. وی همچنین از دخالت‌های دربار و اشرف پهلوی و رئیس

ستاد ارتش در امور سیاسی کشور انتقاد کرد. او همچنین طرحی را برای تصویب، پیشنهاد کرد که تصمیمات مجلس مؤسسان بی‌اعتبار شوند ولی این طرح تصویب نشد. احمد قوام نیز با انتشار نامه سرگشاده‌ای به شدت از شاه و تمایل او به کسب اختیارات بیشتر انتقاد کرد. حکیمی که اینک وزیر دربار بود نامه تندی در پاسخ به قوام فرستاد. در واقع دخالت‌های شاه و دربار در امور سیاسی ایران و نیز فساد دربار (اعم از مالی و غیره) در جامعه، آنان را منفور ساخته بود و برخی سیاستمداران از این موضوع برای کسب وجهه استفاده می‌کردند.

منصور برای جلب نمایندگان به خواسته‌های جبهه ملی با نظر مساعد برخورد می‌کرد. همچنین او آیت‌الله کاشانی را که پس از ترور شاه به لبنان تبعید شده بود به ایران دعوت کرد. بالاخره منصور قرارداد الحاقی را به مجلس تقدیم کرد ولی نظری در موافقت با آن ابراز نکرد و خواست که مجلس قرارداد را بررسی کند. بریتانیا که تردید منصور در دفاع از قرارداد را دید با نظر مثبت به نخست‌وزیری سرلشکر رزم‌آرا تمایل نشان داد. منصور در ۵

ملی شدن صنعت نفت

پس از کشته شدن رزم‌آرا، شاه باز هم بدون رأی تمایل مجلس، حسن علا را به نخست‌وزیری برگزید. علا پس از چند روز ناگهان استعفا کرد و شاه آماده بود تا سید ضیاءالدین طباطبائی را به نخست‌وزیری برگمارد. گفته می‌شد که شاه با انحلال مجلس و سید ضیاء با دستگیری مخالفان جلوی روند ملی شدن نفت را خواهند گرفت. در جلسه‌ای در مجلس شورای ملی، جمال امامی به مصدق پیشنهاد نخست‌وزیری کرد، با این فکر که او قبول نخواهد کرد و سپس سید ضیاء نخست‌وزیر خواهد شد. در واقع سید ضیاء هم‌زمان با این جلسه نزد شاه بود و منتظر بود تا با رأی تمایل مجلس نخست‌وزیر شود. ولی دکتر مصدق نخست‌وزیری را قبول کرد و نقشه‌های شاه و انگلیسی‌ها و سید ضیاء و دیگران عملی نشد.

سرانجام قانون ملی شدن صنعت نفت در ۱۷ اسفند ۱۳۲۹ تصویب گردید.

تیر ۱۳۲۹، به شرط اعزام به رم در سمت سفیر ایران در ایتالیا، استعفا کرد.

رزم‌آرا که در ارتش به‌خاطر سخت‌کوشی و مدیریت خود صاحب نامی بود وارد سیاست شده بود و با ایجاد پیوند با محافل سیاسی به ویژه اشرف پهلوی امیدوار به نخست‌وزیری بود. شاه و بریتانیا نیز می‌خواستند که فرد مؤثری که از اقدامات مختلف نترسد نخست‌وزیر شود و کار قرارداد الحاقی را تمام کند.

بار دیگر شاه بدون رأی تمایل مجلس نخست‌وزیر جدید، یعنی رزم‌آرا را منصوب کرد. دکتر مصدق و جبهه ملی به‌شدت با او مخالفت کردند ولی او توانست رأی اعتماد از مجلس را به دست آورد. رزم‌آرا زیر فشار بریتانیا از مجلس خواستار تصویب قرارداد الحاقی شد ولی مخالفت مصدق و جبهه ملی بجای این کار منجر به مطرح شدن پیشنهاد ملی شدن نفت در سراسر ایران شد. موضوع منحل کردن مجلس به دست شاه برای باز کردن دست رزم‌آرا نیز در میان طرفداران بریتانیا مطرح بود ولی شاه که دیگر از قدرت گرفتن رزم‌آرا و احتمال سرنگونی خود به دست او بیمناک شده بود به مخالفان او پیوست. رزم‌آرا که از تصویب قرارداد الحاقی مایوس شده بود بدون این‌که اعلام کند می‌خواست با پشتیبانی ظاهری از اندیشه ملی شدن نفت قرارداد جدیدی را پیشنهاد کند که عملاً حق امتیاز ایران را به ۵۰ درصد می‌رساند. ولی مقامات شرکت نفت ایران و انگلیس به شدت با این فکر مخالفت کردند. رزم‌آرا در ۱۳ اسفند ۱۳۲۹ ظاهراً به دست یکی از اعضای فدائیان اسلام کشته شد، اگر چه هنوز روشن نیست که چه کسانی واقعا در کشتن او دست داشتند.

سیلی محکمی به صورت علی اکبر داور وزیر عدلیه وقت زد که نتیجه آن گذران محکومیت سه ساله در زندان بود. او چندی پس از گذراندن دوره محکومیت و آزادی از زندان دارفانی را وداع گفت. طی این سه سال سید محمود نواب میرلوحی، از بستگان نزدیک سیدمجتبی، عهده دار سرپرستی وی بود. سیدمجتبی در ۷ سالگی وارد دبستان حکیم نظامی شد و سپس در مدرسه صنعتی آلمانی ها به تحصیل ادامه داد. او همزمان در یکی از مساجد خانی آباد نو به فراگیری دروس دینی نیز مشغول شد و

شهید نواب صفوی و فدائیان اسلام

۲۷ دی ماه سالروز شهادت شهید نواب صفوی

**سیدمجتبی میرلوحی صفوی، از روحانیون مبارز و رهبر جمعیت «فدائیان اسلام»
و از پیشتازان مبارزات اسلامی و مکتبی بر ضد رژیم شاهنشاهی و استعمار می
باشد. این نوشتار به بررسی زندگی و عمده ترین فعالیت های مبارزاتی شهید نواب
صفوی و فدائیان اسلام پرداخته است.**

پس از خروج رضاخان از کشور به فعالیت های سیاسی روی آورد. سخنرانی وی علیه دولت قوام السلطنه در ۱۷ آذر ۱۳۲۱ در حالی که ۱۸ سال بیش نداشت اولین مبارزه وی علیه حکومت پهلوی محسوب می شد. در پی این سخنرانی و تهییج دانش آموزان دیگر مدارس و همراهی عده ای از مردم ناراضی، تظاهراتی در مقابل مجلس شورای ملی علیه قوام برگزار شد که با مداخله و تیراندازی

سیدمجتبی میرلوحی صفوی، از روحانیون مبارز و رهبر جمعیت «فدائیان اسلام»، در سال ۱۳۰۳ شمسی در محله خانی آباد نو و در خانواده ای روحانی دیده به جهان گشود. پدرش سیدجواد میرلوحی، به دنبال صدور قانون «لباس های متحدالشکل» - ۱۳۱۴ - لباس روحانیت از تن بیرون کرد و به عنوان وکیل دعاوی دادگستری مشغول به خدمت شد، اما پس از چندی در پی یک مشاجره سخت،

شیخ قاسم اسلامی، شیخ مهدی شریعتمداری و جمع دیگری از فضلا و نویسندگان تهران «جمعیت مبارزه با بی‌دینی» را تشکیل داد. اما این جمعیت علیرغم تماس‌ها و مذاکرات متعدد نتوانست کسروی را از دین‌ستیزی و اغفال جوانان بازدارد. به همین دلیل نواب صفوی پس از آنکه در آخرین ملاقات خود با کسروی، توسط او و گروه مسلح همراهش تهدید شد، مصمم گردید وی را از میان بردارد. بدین منظور با تهیه پول از دو نفر از روحانیون - سید اسدالله مدنی و آقا شیخ محمدحسن طالقانی - کسروی را در ۲۳ اردیبهشت ۱۳۲۴ در میدان حشمتیه تهران ترور کرد، اما کسروی جان سالم به در برد و نواب دستگیر و زندانی گردید. وی چندی بعد به درخواست علمای ایران و نجف پس از دو ماه، با قید کفالت آزاد گردید.

نواب، پس از آزادی از زندان، طی اعلامیه‌ای جمعیت «فدائیان اسلام» را تشکیل داد. وی در این اعلامیه برادری، استقامت و اتحاد را خط کلی جنبش فدائیان اسلام؛ رسیدن به حاکمیت اسلام و قرآن را هدف اصلی جنبش و شهادت و انتقام و قصاص را روش اصلی مبارزه معرفی کرد.

نخستین اقدام این جمعیت، ترور مجدد کسروی در ۲۰ اسفند ۱۳۲۴ بود که به قتل وی در جلسه دادگستری انجامید. متعاقب آن، نواب مخفیانه تهران را به قصد نجف ترک کرد. در آنجا از مراجع و علما خواست تا برای آزادی قاتلان کسروی بکوشند که بر اثر تلاش‌های وی، آنان نیز پس از مدتی از زندان آزاد شدند.

پلیس، دو نفر شهید شدند. این حادثه اثر عمیقی در شخصیت سیدمجتبی گذاشت و او را در راه مبارزه با حکومت پهلوی مصمم‌تر ساخت.

در سال ۱۳۲۲ سیدمجتبی به استخدام شرکت نفت درآمد و پس از مدت کوتاهی به آبادان منتقل شد. مدتی بعد برخورد شدیدی از سوی یکی از متخصصین انگلیسی شرکت نفت با یکی از کارگران صورت گرفت که به دنبال آن، نواب کارگران را به اعتراض و اجرای قصاص دعوت کرد. با دخالت پلیس و نیروهای نظامی، اعتراضات سرکوب شد. نواب نیز فرار کرده و شبانه به وسیله قایق از آبادان به سوی بصره و سپس نجف روانه شد. او برای امرار معاش به ساخت و فروش عطر روی آورد.

سیدمجتبی در مدرسه «قوم» نجف اقامت گزید و از همان روزهای نخست، دوستی و رابطه نزدیکی با علامه امینی - که در یکی از حجره‌های فوقانی مدرسه، کتابخانه‌ای تأسیس کرده و در حال تألیف اثر مشهور خود - الغدیر - بود، برقرار کرد.

وی فقه و اصول و تفسیر را از استادانی چون علامه امینی، حاج آقا حسین قمی و آقا شیخ محمد تهرانی آموخت. او در نجف، یکی از آثار احمد کسروی را که در آن به یکی از امامان معصوم (ع) توهین شده بود مطالعه کرد و چون برخی از مراجع نجف کسروی را مرتد دانستند، از این رو به ایران بازگشت تا کسروی را از آن کار بازدارد. وی پس از چند جلسه بحث و گفتگو با کسروی، وی را عنصری بی‌دین یافت. در مرحله بعد به کمک حاج سراج انصاری،

کاشانی به عنوان نماینده مردم تهران انتخاب شد و او پس از چندین ماه تبعید در لبنان به وطن بازگشت.

در اردیبهشت ماه ۱۳۲۹ جنازه رضاشاه به ایران منتقل شد. قرار بود جنازه در قم دفن شود، اما با مخالفت پیگیر نواب صفوی و دیگر یارانش، رژیم ناگزیر منصرف شد و جسد را در شهر ری دفن کرد. در تیر ۱۳۲۹ سپهد علی رزم‌آرا به نخست‌وزیری رسید. هدف از انتصاب او نایده گرفتن جنبش ملی شدن صنعت نفت و به تصویب رساندن لایحه «گس - گلشائیان» بود. این لایحه از طرف کمیسیون نفت مجلس شورای ملی رد شد و آیت‌الله کاشانی نیز طی بیانیه‌ای بر ضرورت ملی شدن صنعت نفت تأکید کرد، اما رزم‌آرا و اکثریت نمایندگان مجلس همچنان در برابر تصویب ملی شدن صنعت نفت مقاومت می‌کردند. در چنین بن‌بست سیاسی، به دستور نواب صفوی، فدائیان اسلام، رزم‌آرا را در روز ۱۶ اسفند ترور کردند و متعاقب آن، رژیم شاه و اکثریت مجلس که به شدت مرعوب شده بودند چاره‌ای جز عقب‌نشینی در برابر خواست اکثریت مردم نیافتند. از این رو مجلس شورای ملی، پس از ماهها کشمکش سرانجام لایحه ملی شدن صنعت نفت را در کمتر از دو هفته بعد از قتل رزم‌آرا، تصویب نمود.

ترور رزم‌آرا، نخست، راه را برای ملی شدن صنعت نفت و نخست‌وزیری دکتر مصدق در ۱۵ اردیبهشت ۱۳۳۰ گشود، اما بلافاصله فدائیان اسلام دستگیر شدند و نواب صفوی نیز در تیرماه ۱۳۳۰، کمتر سه ماه بعد از نخست‌وزیری دکتر مصدق، دستگیر و

نواب چندی بعد به تهران بازگشت و روابط نزدیکی با آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی، که به تازگی از تبعید بازگشته بود، برقرار ساخت.

به دنبال اعلام تشکیل دولت اسرائیل توسط سازمان ملل متحد در سال ۱۳۲۷، نفرت و انزجار عمومی سراسر جهان اسلام و از جمله ایران را فراگرفت. به دعوت آیت‌الله کاشانی در روز جمعه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۲۷ اجتماع اعتراض‌آمیز بزرگی در مسجد سلطانی (امام خمینی فعلی) تهران برگزار شد که در آن آیت‌الله کاشانی و نواب صفوی شرکت داشتند. فدائیان اسلام نیز با ثبت‌نام از نیروهای داوطلب، پنج هزار نفر را برای اعزام به فلسطین و نبرد با اشغالگران بسیج کردند که دولت وقت مانع از اعزام آنان گردید. نواب صفوی در ۲۷ خرداد ۱۳۲۷ بانی تظاهرات عظیمی علیه دولت عبدالحسین هژیر بود. این تظاهرات به فاصله ۴ روز پس از به قدرت رسیدن هژیر به وقوع پیوست. تظاهرکنندگان نمایندگان را که به هژیر رأی داده بودند، مذمت کردند و خواستار عزل او شدند.

در ۱۴ آبان ۱۳۲۸، عبدالحسین هژیر، که نقش اصلی در تقلب انتخابات دوره شانزدهم مجلس شورای ملی داشت، توسط فدائیان اسلام به قتل رسید. رژیم که یکی از مهره‌های اصلی اش را از دست داده بود و خود را در مقابل عملیات فدائیان اسلام به شدت آسیب‌پذیر می‌دید، ناگزیر عقب‌نشینی کرد و انتخابات دوره شانزدهم را در فضای نسبتاً آزاد تجدید کرد که در آن آیت‌الله



پس از ملی شدن صنعت نفت و نخست‌وزیری دکتر مصدق، به تدریج روابط میان فدائیان اسلام و آیت‌الله کاشانی به سردی گرایید، زیرا فدائیان انتظار داشتند که از آن پس اقدامات عملی برای تحقق حکومت اسلامی صورت گیرد. نواب صفوی در این مقطع با چاپ و انتشار جزوه‌ای تحت عنوان «راهنمای حقایق» و با شعار «الاسلام یعلو و لایعلی علیه» اهداف، اصول و شیوه‌های سیاسی و برنامه حکومت اسلامی موردنظر خود را که در حقیقت منشور فدائیان اسلام بود عرضه کرد. اما آیت‌الله کاشانی مهمترین هدف را در آن مقطع حفظ دستاوردهای ناشی از ملی شدن صنعت نفت و کوتاه کردن دست استعمار انگلیس می‌دانست. با این همه، پس از حوادث تیر ۱۳۳۱ و بروز اختلاف شدید میان جبهه ملی و آیت‌الله کاشانی، فدائیان اسلام لحظه‌ای در حمایت از آیت‌الله کاشانی تردید نکردند و از او در برابر افتراها و تهمتهای سیاسی جبهه ملی و حزب توده دفاع کردند. نواب صفوی در شهریور ۱۳۳۲ به دعوت سید قطب از رهبران اخوان المسلمین برای شرکت در «کنگره اسلامی قدس» عازم بیت‌المقدس شد.

زندانی شد. او در آن کنگره سخنان پرشوری ایراد نمود و مسلمانان را به وحدت برای آزادسازی سرزمین فلسطین فراخواند. وی در این سفر از عراق، سوریه و لبنان بازدید کرد و در شهر صور لبنان با شرف‌الدین عاملی ملاقات نمود. در خلال همین سفر بود که نواب صفوی با یاسر عرفات که دانشجوی بود ملاقات کرد و او را برای نجات فلسطین و مبارزه با اسرائیل تحریک و تهییج نمود، به طوری که عرفات در سفری که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به تهران داشت، گفته بود عامل اولیه حرکت وی در این قیام توصیه نواب صفوی بود.

نواب در ادامه سفر خاورمیانه‌ای خود پس از لبنان به دعوت اخوان المسلمین مصر رهسپار قاهره شد. این دوره مصادف با کودتای ژنرال محمد نجیب و برکناری ملک فاروق، پادشاه مصر بود. وی در دانشگاه الازهر سخنرانی کرد که با استقبال هزاران تن از حاضران مواجه گردید، و اندکی بعد «جمعیت اخوان المسلمین» به توسط دولت مصر غیرقانونی اعلام شد. نواب صفوی پس از اطلاع، در تلگرافی که از ایران به قاهره مخابره نمود، مراتب نگرانی خود و عموم مسلمانان را از اقدام دولت مصر اعلام کرد و خواستار تجدیدنظر فوری آن دولت نسبت به اخوان المسلمین گردید.

پس از کودتای امریکایی - انگلیسی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، همه دستاوردهای نهضت ملی برباد رفت و زنجیرهای اسارت اقتصادی و سیاسی یکی پس از دیگری با انعقاد پیمان‌های گوناگون، توسط

رژیم کودتا به دست و پای ملت ایران بسته شد. از جمله آنها، پیمان نظامی بغداد بود که در ۱۳۳۴ میان عراق و ترکیه منعقد شد و سپس ایران، انگلستان و پاکستان بدان پیوستند. این پیمان، کشورهای منطقه را به عنوان سپر امنیتی و نظامی امریکا و انگلستان در برابر شوروی در می‌آورد. فداییان اسلام به عنوان مخالفت با این قرارداد، حسین علاء نخست‌وزیر وقت را در آستانه سفر به بغداد جهت شرکت در اجلاس این پیمان در روز ۲۵ آبان ۱۳۳۴ ترور کردند، اما وی جان سالم به در برد و ضارب دستگیر شد و به دنبال آن نواب صفوی و دیگر اعضای مؤثر فدائیان در اول آذر آن سال بازداشت گردیدند. آنان تحت شکنجه‌های شدید قرار گرفتند و در

دی همان سال در دادگاهی نظامی محاکمه شدند. سرانجام پس از چند جلسه، دادگاه، نواب صفوی و سه تن دیگر (سید محمد واحدی، مظفر ذوالقدر و خلیل طهماسبی) را به اعدام محکوم کرد. حکم دادگاه در بامداد ۲۷ دی ۱۳۳۴ به اجرا درآمد. آنها را پس از شهادت در مسگرآباد تهران به خاک سپردند. مدتی بعد جنازه آنان به قم منتقل شده و در آنجا دفن گردید.

کتاب «جامعه و حکومت اسلامی» از آثار نواب صفوی است.

اعجاز قرآن

الف) اشاره به حرکت زمین:

"الذی جعل لکم الارض مهذا" (سوره طه، آیه ۵۳)

"آن خدایی که زمین را برای شما مانند گهواره قرار داد."

در این آیه، قرآن با کنایه، اشاره به حرکت زمین می‌کند و آن را به گهواره‌ای تشبیه می‌کند و می‌دانیم به واسطه حرکت گهواره است که طفل در آرامش به سر می‌برد و بدینسان به حرکت زمین اشاره می‌کند. علت این امر که قرآن با صراحت به حرکت زمین اشاره نمی‌کند آن است که این جملات در زمانی نازل شده است که جز سکون زمین و حرکت افلاک به دور آن چیز دیگری برای بشر مطرح نبود. توضیح بیشتر آنکه هنگامی که هزار سال بعد گالیله برای اولین بار اعلام کرد که زمین حرکت می‌کند او را محکوم به اعدام کردند. از همین جا می‌توان فهمید که اگر قرآن با صراحت مسأله حرکت زمین را مطرح می‌کرد به طور وسیعی مطرود می‌گشت و بنابر این قرآن این مطلب را با لطافت خاصی بیان نموده است که اولاً با نظرات مردم آن زمان صریحاً منافات نداشته باشد و ثانیاً حقیقت را بیان کرده باشد.

قرآن و اسرار خلقت

گرچه قرآن کتاب علوم نیست و به منظور مسایل علمی نیز نازل نشده است و منظور و هدف قرآن هدایت و رهبری جامعه بسوی سعادت دنیا و آخرت است ولی در عین حال قرآن در بسیاری موارد از این گونه مسایل در راه هدف خاص خود بهره برده است و از آنها به صورت نشانه‌هایی از قدرت لایزال الهی یاد کرده است. لذا در موارد متعددی، اشاره به بسیاری از اسرار خلقت نموده که این امر خود نشان دهنده آن است که قرآن از سوی کسی نازل شده است که احاطه کامل به اسرار طبیعت داشته است و او کسی نیست جز آفریننده طبیعت. در زیر سه مورد از این اسرار را که در قرآن آمده است، به اختصار بیان می‌نماییم:

ب) اشاره به عمل لقاح توسط باد:

"و أرسلنا الرياح لواقح" (سوره حجر، آیه ۲۲)

"و ما بادها را عامل لقاح قرار دادیم."

قرنها پس از نزول قرآن بود که زیست‌شناسان پی به اثر بادها در انجام عمل لقاح در گیاهان شدند و این از معجزات قرآن می‌باشد.

ج) "و أنزلنا الحديد فيه بأس شديد و منافع للناس" (سوره حديد، آیه ۲۵)

"و ما آهن را که در آن صلابت و محکمی شدید و منافی برای مردمان در آن است نازل نمودیم."

تا قرن هجدهم یعنی دوازده قرن پس از نزول قرآن هنوز کارهای فلزی در نهایت ضعف بود و نه تنها ارزش آن شناخته نشده بود بلکه اساسا مهم و قابل توجه تلقی نمی‌شد تا این که ناگهان چشم دنیا به آهن دوخته

شد و رقابت عجیبی در میان دانشمندان برای استخراج و استفاده بهتر از آن به وجود آمد تا آنجا که این دو قرن اخیر دوران نهضت و پیشرفت فلز اطلاق

شده و دنیا منافع آن را حتما آنچنان که باید دریافته و صدق یکی دیگر از حقایق

قرآن نقاب از صورت برداشته است. این امر در خور توجه است که قرآن در میان

تمام فلزات انگشت بر روی آهن گذاشته است و از منافع آهن سخن می‌گوید و امروزه این

امر به وضوح مشهود است که کارآیی آهن از سایر فلزات بیشتر می‌باشد.



ستاره

■ مهمترین رمز موفقیت شما چیست ؟

اگر موفقیتی نصیب شده باشد . مهمترین رمز آن توکل به خداوند است (من یتوکل علی الله فهو حسبه)
توکل برای من مساوی است با امید ، عشق به زندگی و پشتکار
به نظر من برنامه ریزی صحیح و حساب شده ، شناخت و
توانایی ها و استعداد ها و استفاده صحیح از آنها ، داشتن هدف
مشخص در زندگی و سعی و تلاش برای رسیدن به هدف از
رمز موفقیت و کامیابی است .

■ پیام شما به فرزندان شاهد و ایثارگر چیست ؟

ما فرزندان شاهد و ایثارگر باید ادامه دهنده راه پدرانمان
باشیم. پدرانی که الگوی ایثار، آئینه عشق و مظهر پاکی و
نجاتند و باید با رفتار و کردار خود یاد و نام شهیدان را
زنده نگه داریم. برای ما فرزندان شاهد ، پدر فراتر از یک
واژه زمینی است که با مرگ کمرنگ شود . پدران ما از تبار
آسمانند . کسانی که زنده اند و نزد خدا روزی می خورند و
این تعبیر قرآن، خود بیانگر رسالت ما در شناختن هدف و
جایگاه والای شهداست .

■ لطفا خودتان را معرفی کنید.

من فاطمه منعمیان هستم ، فرزند شهید حسنعلی منعمیان
، در آذر ماه ۱۳۶۵ در شهرستان زیبا کویری آران و
بیدگل بدنیا آمدم و چند ماه بعد از تولد ، پدرم به شهادت
رسید.

در سال ۸۴ ، در شاخه علوم انسانی در کنکور سراسری
شرکت کردم و با کسب رتبه ۷ شاهد (۳۸۶ کشوری
) ، در رشته حقوق دانشگاه شهید بهشتی پذیرفته شدم .
تحصیلات کارشناسی را در سال ۸۸ به پایان رسانده و با
شرط معدل ، وارد دوران کارشناسی ارشد گرایش حقوق
جزا و جرم شناسی شده و در حال حاضر ترم اول دانشجوی
ارشد رشته حقوق می باشم .

■ انتظارات شما از ستاد شاهد و امور ایثارگران چیست ؟

ستاد شاهد با برنامه های آموزشی ، علمی و فرهنگی بسیار متنوع و مفیدی که در اختیار دانشجویان شاهد و ایثارگر قرار داده گام موثری در جهت ارتقاء سطح علمی و فرهنگی دانشجویان برداشته است. بنده به عنوان دانشجویی که از مزایا و امکانات ستاد شاهد و ایثارگران استفاده نموده ام ، به سایر دانشجویان شاهد و ایثارگر توصیه می کنم که درفعالیت های ستاد شرکت نموده و از برنامه های آموزشی ، علمی (کلاسهای تقویتی و ...) فرهنگی و ورزشی استفاده نمایند . چرا که مدیر و مسئولان این ستاد تمام تلاش خود را در جهت رفاه حال دانشجویان ، دسترسی به امکانات و نیازهای علمی ، تحقیقی و حتی تفریحی به نحو احسن بکار گرفته و این امر قابل تقدیر و تشکر است.

■ با تشکر از وقتی که در اختیارمان گذاشتید و آرزو برای موفقیت هر چه بیشتر شما.



روز مهندسی

خواجه نصیر الدین طوسی

بزرگداشت

۵ اسفند

روز مهندسی

خواجه نصیرالدین محمد بن حسن جهرودی طوسی مشهور به خواجه نصیرالدین طوسی از اهالی جهرود از توابع قم بوده است که در تاریخ ۱۵ جمادی الاول سال ۵۹۷ هجری قمری ولادت یافته است. او به تحصیل دانش، علاقه زیادی داشت و از دوران جوانی در علوم ریاضی و نجوم و حکمت سرآمد شد و از دانشمندان معروف زمان خود گردید.

خواجه نصیرالدین طوسی ستاره درخشانی بود که در افق تاریخ مغول درخشید و در هر شهری پا گذارد آنجا را به نور حکمت و دانش و اخلاق روشن ساخته و در آن دوره تاریخ و در آن عصری که شمشیر تاتار و مغول خاندانهای کوچک و یا بزرگ را از هم پاشیده و جهانی از حملات مغولها به وحشت فرو رفته و همه در گوشه و کنار منزوی و یا فراری می شدند و بازار کسادی دانش و جوانمردی و مروت بود، وجود و بروز چنین دانشمندی مایه اعجاب

و اعجاز است. به فتح بغداد و برانداختن دودمان عباسی و کشتن خلیفه به دست ایلیخان مغول بود.

محقق طوسی به اتفاق کلیه مورخین آن عصر بر عقل هلاکو چیره شده و تا می توانست از قدرت و تسلط او بنفع کشور خود استفاده می کرد و به جهان علم و ادب و ترویج مذهب شیعه اثنی عشری خدمت کرد و به نیروی اراده و تدبیر خود توانست عقاید و آراء خود را بنام دلالت های فلکی عملی ساخته و از اوهام و خرافاتی که مانند حسام الدین منجم ها بنام نجوم می گفتند جلوگیری کند و در اثر کمکهای محقق طوسی دانشمندان توانستند با فراغت بال مشغول تالیف و تصنیف و اشتغالات علمی شده و هر کدام در محیط تاریکی که بر اثر فساد اخلاق و کشتارها و خونریزیهای پراکنده ، آشفته شده بودند، مشعل فروزانی گردیده و در تشریح فضائل بکوشند و تا اندازه ای از فساد اخلاق و بیدادگری جلوگیری نمایند.

در سال ۶۷۲ هجری قمری خواجه نصیر با جمعی از شاگردان خود به بغداد رفت که بقایای کتابهای تاراج رفته را جمع آوری و به مراغه ارسال دارد اما اجل مهلتش نداد و در تاریخ ۱۸ ذی الحجه سال ۶۷۲ هجری قمری در بغداد دار فانی را وداع گفت و جسدش را به کاظمین انتقال داده و در جوار امامین همایین مدفون گردید. شورای انقلاب فرهنگی پنجم اسفند ماه، سالروز تولد این دانشمند بزرگ ایرانی را بعنوان روز مهندسی نامگذاری کرده است.

خواجه نصیرالدین طوسی در تمام امور کشوری و لشکری مغول برای نیل به مقاصد عالیة خود دخالت داشته و تا اندازه ای که توانست از پیش آمدها و سختی های ناگوار که متوجه جامعه مسلمین می شد جلوگیری می کرد، گاهی با سخنان علمی و زمانی با گفتگوهای مختلف و گاهی با اندرزهای سیاسی مقاصد مهم اساسی خود را با دست هلاکوخان انجام می داد. پیشرفتهای علمی و نوازش فضلاء و علما با دست خواجه صورت می گرفت و از اینرو روزبروز در دربار هلاکو محبوبتر شده و مورد توجه خاص ایلیخان می گردید.

خواجه نصیرالدین همیشه اصول مقاصد دینی را نصب العین خود قرار داده و تمام حرکات سیاسی و علمی که شایسته یک مرد دینی آشنا به مصالح اجتماعی و سیاسی اسلامی است بکار می بست. یکی از اقدامات مهم خواجه نصیرالدین طوسی تشویق هلاکوخان

خواجه نصیرالدین همیشه اصول مقاصد دینی را نصب العین خود قرار داده و تمام حرکات سیاسی و علمی که شایسته یک مرد دینی آشنا به مصالح اجتماعی و سیاسی اسلامی است بکار می بست.

شبیه باران



بازدید از خانواده شهید مسعود بلیغ

در تاریخ ۸۸/۱۲/۵ با حضور مسولین ، همکاران و دانشجویان انجام شد.

شهید مسعود بلیغ در سال ۱۳۳۲ در تهران در خانواده ای فرهنگی و مذهبی متولد شد و پدر مرحومش مهندس محمد هادی بلیغ استاد دانشگاه تهران بوده و مادر ایشان اهل علم و قلم می باشد. شهید مسعود بلیغ دانشجوی سال سوم بوده و همزمان با انقلاب فرهنگی (تعطیلی دانشگاه ها) در دفتر فنی دانشگاه شهید بهشتی کار می کردند و از طریق بسیج دانشگاه شهید بهشتی (واحد رزمی) به جبهه اعزام شدند و در ۱۳۵۹/۱۰/۱۶ در دشت آزادگان به درجه شهادت نائل آمدند و پیکر شهید در بهشت زهرا قطعه ۲۴ ردیف ۸ شماره ۵۷ دفن شده است. شهید بلیغ اولین شهید دانشگاه شهید بهشتی است.

شعر شهید راه حق اثر ماندگار

سید مسعود بلخی

مرا در سنگرم مدفون نمایند
منم سرباز دست از جان کشیده
صفاظت مرا کند جسمم از دیران
کنم تقدیم میهن ایغ تیغ و جان
ایا دشمن مترس از توپ و تانکم
ز قعر دل بگویم راز خود را
بترس از ایغ سریر شور و ایمان
مرا یارند افواج شهیدان
نگر سرباز دیرانر چه دلدرد
بدسترتیر و توپ و نور قرآن
مبارا خواهرانم و حسرت آرید
که ما باشیم در ظل امامان
هر آنکسر راه حق پیونید شاد است
موفق باشد او در پیار ییزان
مرا اسلام دین و شیعه مذهب
خدا را قائم چون نیست جز او
تعهد بسته ام در راه و جدان
که خلقم کرده بر ملک فقیدان
امامان اگر تیریک گویم
تر از ایغ همه عشق دیران
الا سر رهبر دنیا و دینم
دعا فرما که گردم از شهیدان

ورزش راز سلامتی

تمرینات ورزشی

به حفظ سلامتی شما کمک می کنند

پس هنگام انجام این تمرینات به خود آسیب نزنید!

حرکات کششی انجام دهید. حرکات تمرینی خود را در ادامه به آرامی تکرار کنید و نفس های عمیق و آرام بکشید. گرم کردن سبب افزایش جریان خون و ضربان قلب شما می شود و همچنین باعث آمادگی ماهیچه ها، رباط ها و تاندون های شما می شود.

◀ حرکات کششی خود را به آرامی و با دقت انجام دهید تا جایی که در عضلاتان احساس کشش کنید ادامه دهید. هر حرکت را به مدت ۱۰-۲۰ ثانیه ادامه دهید و سپس به آرامی حرکت را تمام کنید. دم را تا قبل از حس کشش و بازدم را در حین رها سازی انجام دهید. هر حرکت را فقط یک بار انجام دهید. هیچ گاه اندام را تا حد حس درد نکشید. همیشه بر انجام حرکت مسلط باشید و هیچگاه در حالی که عضله تان کاملا کشیده و منقبض است پرش و جست و خیز نکنید.

◀ هنگام تمرین، زمان را محاسبه کنید. در هر تکرار، تا حد انتهای دامنه حرکت، کشش را انجام دهید. تنفس تان منظم باشد تا با

معمولا هنگامی که مردم شروع به ورزش می کنند، بیش از حد به بدن خود فشار می آورند. بیشتر تمریناتی که انجام می دهید، احتمال صدمات ناشی از تمرین مفرط و تروما را در شما افزایش می دهند، تعادل در انجام تمرینات، کلید ورزش سالم است. هیچ گاه در زمان کوتاه، حجم تمرینات را زیاد بالا نبرید، همیشه سرعت، قدرت و شدت تمرینات پله پله و آرام افزایش دهید.

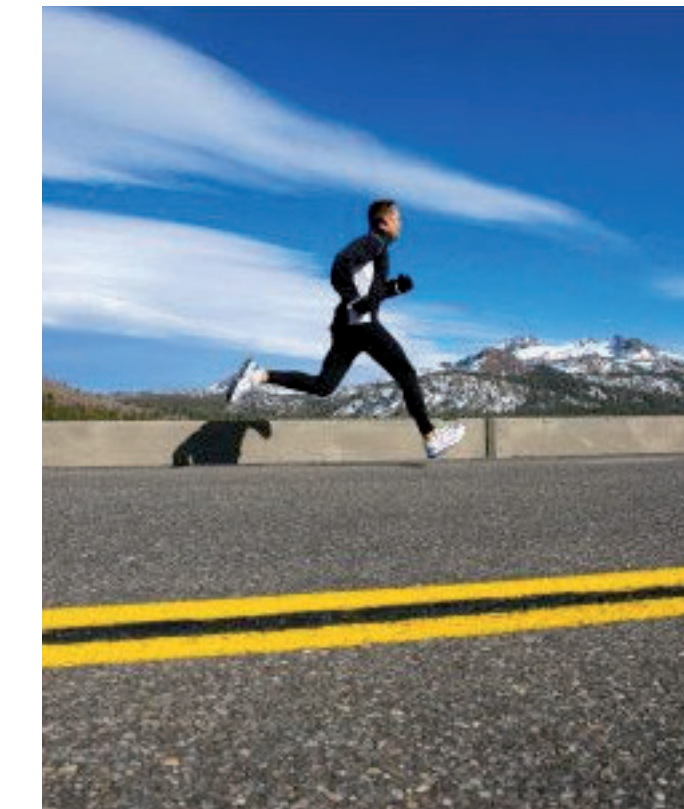
راهنمای انجام صحیح تمرینات ورزشی :

◀ همواره از لباس و پوشش مناسب استفاده کنید، کفشهای ورزشی خود را در صورت مستعمل شدن تعویض کنید. پوشش راحت داشته باشید. لباسهایتان به اندازه ای آزاد و متناسب باشد تا بتوانید آزادانه حرکات خود را انجام دهید و همچنین لباسهایتان تا اندازه ای نازک باشد که دمای بدنتان به راحتی تبادل شود.

◀ قبل از ورزش بدن خود را گرم کنید و این کار را همگام با

تنظیم فشار خون، ذخیره خون مغزتان تامین شود. مثل :

برای جلوگیری از کاهش آب بدنتان. (گرمزدگی و خشکی ناشی از گرما) آب بنوشید. ۱۵ دقیقه قبل از تمرین و پس از خنک کردن هر بار نیم لیتر (تقریبا ۲ لیوان) آب بنوشید. هر ۲۰ دقیقه یکبار تا زمانی که ورزش می کنید، آب بنوشید.



در انتهای ورزش روتین خود بدنتان را خنک کنید. این زمان باید ۲ برابر زمان گرم کردن شما باشد. حرکات و شدت تمرین خود را در ۱۰ دقیقه پایانی تمرینات خود، کاهش دهید. هنگامی بدنتان خنک شده است که پوست تان خشک باشد.

روزهای مشخص را در برنامه ی خود برای استراحت قرار دهید و زمانی که خسته هستید ورزش نکنید. خستگی، جراحت و درد دلایل منع انجام تمرین هستند.

صدمات ناشی از ورزش مفرط

تمرینات استرس های مکرری را به بسیاری از اعضای بدن مثل عضلات، تاندون (زرد پی) ، لیگامان (رباط) بورس، غضروف، استخوان ها و اعصاب وارد می کنند که اینها منجر به صدمات ریزی می شوند. آسیب های کوچک با استراحت کردن بهبود می یابند. وقتی شما به طور شدید ورزش می کنید بدنتان فرصت کافی برای ترمیم صدمات کوچک را ندارد. در ترمیم های متوالی آسیبهای ناشی از صدمات، بدن شما مستعد صدمات ناشی از تمرین مفرط می شود.

درگیری اعصاب در قایقرانان
التهاب رباط کشکک زانو در بازیکنان والیبال

آسیب های ضربه ای

برای ساختن بدنی قدرتمند از طریق ورزش، باید به آرامی و پله پله به بدن خود فشار وارد کنید. زمانی که به بدن فشار بیش از اندازه متناسب با زمان پیشرفت وارد می کنید، بدن مستعد صدمات ترومایی (ضربه ای) مثل موت رک و رگ به رگ شدن می شود. بسیاری از ورزش های فصلی،

کمک های اولیه

پس از ایجاد آسیب از روش استاندارد کمک های اولیه در زمانی اتفاق می افتند که ورزشکاران برای نشان دادن شایستگی آسیب های اسکلتی - عضلانی استفاده کنید.

خود تمرین بیش از حد توان و شدید انجام می دهند که منجر به گاهی اوقات با وجود انجام صحیح و اصولی تمرینات، حوادث صدمات استخوان ها، مفاصل، تاندونها (زردپی) و لیگامانها (رباط ها) اجتناب نا پذیرند. اگر یک عضله دچار کشیدگی شد از یک وسیله می شود که ورزشکاران تا پایان مفصل اعتنایی نمی کنند. محافظتی به عنوان آتل استفاده کنید..

استراحت محل آسیب

کمپرس یخ محل تورم، خونریزی و التهاب

در کل احتمال آسیب شما زمانی افزایش می یابد که : استفاده از بانداژ فشاری برای محدود کردن تورم

مدت زمان، شدت و یا تعداد دفعات تمرین شما افزایش سریع بالا نکه داشتن قسمت آسیب دیده از سطح قلب برای جلوگیری از تورم. و بیش از اندازه داشته باشد.

زمین تمرین و آب و هوا نا مساعد باشد.

استفاده از وسایل نا مناسب ورزشی مثل کفش نا مناسب ایوپروفن استفاده کنید. (کاهش درد و التهاب)

ورزشی در صورت وجود درد شدید، عدم توانایی حرکت عضو آسیب

سابقه صدمات در گذشته دیده و یا بقای علائم به پزشک مراجعه کنید.

سیگار کشیدن، استفاده از مشروبات الکلی و زندگی ساکن و

بی تحرک

فعالیت های آتروبیک (هوازی) کم یا کاهش توانایی عضلانی،

منا لزومی

دانشجوی کارشناسی ارشد تربیت بدنی

مشاور ورزشی واحد تربیت بدنی دانشگاه شهید بهشتی

در گذر زمان

مبارک باد

و هفته ی وحدت

دهه مبارک فجر

ها استوارتر می گردد ، خون ها در هم می جوشد ، دست ها و بازوها درهم قرار می گیرد ، چهره ها بر یکدیگر لبخند پیروزی و صفا می زند ، قشرها همه باهمند ، امت، یکپارچه و منسجم است و شیعه و سنی، به یاد سالروز میلاد رسول گرامی اسلام(ص)، با هم و در کنار هم، در یک راه و به سوی یک هدف سرود وحدت می خوانند.

قبله ی مشترک، رسول یگانه، کتاب واحد و رهبر واحد، وحدت بخش قشرهای این امت خداجو است.

گرامی باد هفته وحدت، سالروز ولادت پیامبر رحمت و مربی انسانها و سفیر گرانقدر الهی به سوی مردم.

گرامی باد هفته وحدت که در بردارنده ولادت ششمین آفتاب آسمان امامت و ولایت پیشوای عزیز شیعه است. امام جعفر صادق (ع) که موهبت الهی و باز کننده دروازه های علم بر روی بشریت است. گرامی باد هفته ی وحدت، که خنثی کننده ی توطئه های دشمنان، درمسیر تفرقه افکنی است.

”وَافْتَصِرُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا“

”سوره آل عمران . آیه ۱۰۳“

رهبر معظم انقلاب:

” در دهه فجر اسلام تولدی دوباره یافت “

گرامی باد پیروزی انقلاب اسلامی مان در ۲۲ بهمن ۵۷ که آن را مدیون " وحدت " امت اسلامی، به ثمر رسیدن خون هزارن شهید و " ولایت فقیه " و رهبری امام بزرگوارمان که ما را در سایه ی اسلام و بر پایه ی ایمان، جمع کرد و هدایت نمود می دانیم.

گرامی باد هفته ی وحدت که در آن میثاق ها تحکیم می شود، پیمان

گرامی باد هفته وحدت، که هفته نور و سرور و ایام شادی و همبستگی است.

گرامی باد هفته وحدت که ملت ما را منسجم تر می کند و امتمان را با رهبر خود پیوندی مجدد می زند.

گرامی باد این هفته که بازوها را با هم گره زده ، توان ها را در جهت واحد و بر ضد دشمن متجاوز به کار می گیرد.

گرامی باد هفته وحدت ، که پیام " رسالت " و ندای " امامت " رابه گوش متجاوز، به کار می گیرد.

هفته ی وحدت ، چتری مبارک ازایثار و فداکاری بر مردم است.

چشمه ساری از معرفت و شعور، در کام تشنه ی خلق خداست.

سایه ساری آرامش بخش ، دل انگیز و روح پرور برای هموطنان مسلمان ماست.

الهام بخش حرکت و انسجام و اخلاص است.

زداینده ی کینه ها ، کدورت ها ، خودخواهی ها ، گروه گرایی ها ، تعصب ها ، ملیت پرستی ها ،
فرقه بازی ها و تفرقه جوئی هاست.

هفته ی وحدت، ایام میثاق با خون شهیدان است.

هفته ی پیمان با راه اسلام و خط امام فقیدمان ، حضرت روح الله (ره) است.

اکنون نیز، که هزار و چهارصد سال و اندی از آن تاریخ می گذرد ، ملت ما ، در سالگرد این
میلاد مقدس، پرشکوهترین مراسم ، گرم ترین مجالس و باصفا ترین تجمعات را به پا می دارند
تا روح اخوت اسلامی درپیکره ی اجتماع ، بیش از پیش زنده شود.

در پایان پیشاپیش سال نو را خدمت تمام بزرگوران ، اساتید و دانشجویان عزیز تبریک گفته و
سالی پر از خیر و برکت را برای همگان آرزومندم.



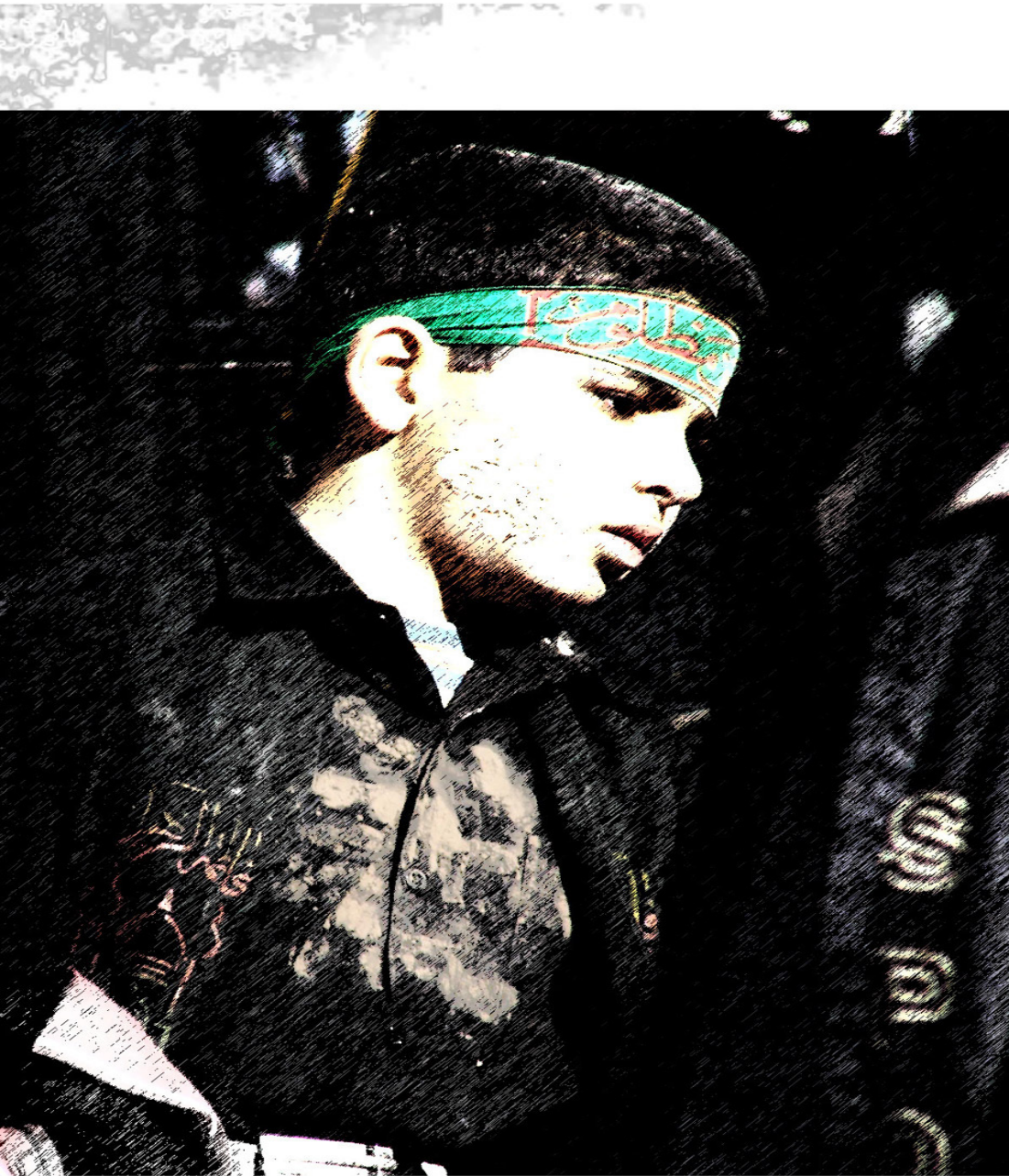
روز نقیضت ما را روز بود

"ومن ا... التوفیق"

مدیر مسئول



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
مَشْفَعًا كَمَا بَدَأَ الْإِنسَانَ
عِظًا مِنْ عِظٍ



”

شهای بین المللی دانشگاه شهید بهشتی

مرکز همایشهای بین المللی دانشگاه شهید بهشتی

SHAHID BEHESHTI UNIVERSITY INTERNATIONAL CONFERENCE CENTER

